

چهره‌ها

Chehreh Nama

تابستان 1397 زرتشتی 1398 خورشیدی
نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و هفتم شماره 190

سپردو

با درود،

گروه زنهارداران از تمامی کسانی که مایل به همکاری و خدمت به جامعه ی خودمان بوده اند و آمادگی خود را در انتخابات گذشته اعلام نموده اند و همچنین از گروههای نظارت بر انتخابات تشکر فراوان دارد. اکنون که افرادی جدید با عقاید و آرمانهای تازه در هیئت مدیره های مختلف انتخاب شده اند امیدواریم که با پشتیبانی تمامی مردم و گروههای مختلف بتوانند در اهداف خود موفق باشند. گروه زنهارداران مانند همیشه با تمام اهدافی که در پیشبرد جامعه موثر و مفید باشد همکاری و پشتیبانی نموده و خواهد کرد.

با آرزوی پیشرفت و گسترش جامعه زرتشتیان
ایدون باد ایدون ترج باد

فرازهای برجسته بینش زرتشت

از کسانی شویم که زندگی را تازه می سازند و مردم را به سوی راستی و پارسایی راهنمایی می کنند .

کردار خود را بر خواسته اهورایی هماهنگ کرده و سبب آبادی و تازه شدن جهان هستی باشیم .

گاتها سرود ۳۰ بند ۹

زندگی و کار و اندیشه ی مردم، باید پیوسته و پا به پای نیروی آفرینشگر جهان هستی، رو به نوآوری و آفرینش باشد. زندگی بدون آفرینندگی، تیره و خاموش و مرگ آور است.

و پسگرایی، کهنه پرستی و خشک اندیشی، در آرمان زرتشتی ناستوده و ناشایست است.

هر تلاش و کوششی که برای گسترش و آفرینش فرهنگ و دانش راستین انجام گیرد، هماهنگی با نیروی آفرینندگی اهورامزدا می باشد.

برگیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.

چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.

دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.

چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا ، نشریه ایست دینی ، اجتماعی ، تاریخی ، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
c/o Mina Soroosh

PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

زیر نگر گروه دبیران

گرافیک ، رایانه و صفحه آرا : کوین یکتاهی

تایپ : شبنم پاک سرشت

اینترنت : رامین شهریاری

کسی که می گوید می توانم و کسی که می گوید نمی توانم، هر دو خود را با گفته خود هماهنگ می کنند و ما تبدیل می شویم به همان چیزی که فکر می کنیم. تصمیم بگیریم چه می خواهیم و آنگاه بر همه دشواری ها و دست اندازها پیروز می شویم و به خواسته خود می رسیم. و ما باید این جمله من می توانم را در همه مراحل زندگی به کار ببریم تا بتوانیم با اعتماد به نفس و قدم های استوار مشکلات را از پیش روی برداریم و چه خوب است که این جمله ما می توانیم که همان پیش درآمد همزوری است را در هازمان خود استفاده کنیم و همگان به آن باور داشته باشیم. ما در مرکز زرتشتیان باید دست در دست هم بدهیم تا آرمان های خود که بر پایه آموزشهای گاتها و پیام راستین اشوزرتشت و برآمده از اندیشه و گفتار و کردار نیک است شکوفا نماییم و آینده ای پر از آگاهی برای فرزندانمان بسازیم. و در آخر می خواهیم این نکته را هم یادآوری کنم که که خیلی وقت ها ما فقط مسئول خودمان نیستیم و تصمیمی که می گیریم ممکن است روی سرنوشت دیگران هم تاثیر بگذارد. پس باید با خرد خود و هم اندیشی با دیگران تصمیم های درست برای هازمان خودمان بگیریم. پس بیاییم هر چه فعالتر در مرکز زرتشتیان و در راه خدمت به جامعه کوشا باشیم.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

شهریار

آن که خاطر هوس عشق و وفا دارد از او
به هوس هر دو سه روزیست هوادار کسی
لطف حق یار کسی باد که در دوره ما
نشود یار کسی تا نشود بار کسی
گر کسی را نفکندیم به سر سایه چو گل
شکر ایزد که نبودیم به پا خار کسی
شهریارا سر من زیر پی کاخ ستم
به که بر سر فتمر سایه دیوار کسی

در دیاری که در او نیست کسی یار کسی
کاش یارب که نیفتد به کسی کار کسی
هر کس آزار من زار پسندید ولی
نپسندید دل زار من آزار کسی
آخرش محنت جانکاه به چاه اندازد
هر که چون ماه برافروخت شب تار کسی
سودش این بس که بهیچش بفروشد چو من
هر که با قیمت جان بود خریدار کسی
سود بازار محبت همه آه سرد است
تا نکوشید پی گرمی بازار کسی
من به بیداری از این خواب چه سنجم که بود
بخت خوابیده کس دولت بیدار کسی
غیر آزار ندیدم چو گرفتارم دید
کس مبادا چو من زار گرفتار کسی
تا شدم خوار تو رشکم به عزیزان آید
بارالها که عزیزی نشود خوار کسی

واژه یشت در اوستا به گونه یشتی (yašti) و در پهلوی به گونه یشت (yašt) آمده است. ریشه آن، واژه "یژ" (yaz) است که در پهلوی به معنی ستودن و نیایش کردن و ستایش نمودن است. گر چه واژه های یشت و یسن (یسن) دارای یک ریشه اند، ولی از دیدگاه آیینی به دو مفهوم متفاوت اشاره دارند. یسن مراسم نیایش و پرستشی است که با نذر و فدیة همراه است در حالیکه یشت مراسم نیایش و ستایش خدا، جلوه های زیست بوم و عناصر طبیعی است. تفاوت یسن و یشت اینگونه نیز عنوان می شود که یسن یعنی ستایش و نیایش بگونه ای کلی می باشد ولی یشت به معنی ستایش پروردگار و نیایش امشاسپندان و ایزدان است.

یشت ها نسکی است از پنج بخش ادبیات اوستایی که از زمان ساسانیان برجای مانده است. دیگر بخش های اوستا، یسنا، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا می باشند. یشت ها پس از سرودهای زرتشت (گاتها) و هفت هات از کهن ترین بخش های ادبیات اوستایی به شمار می آیند که از باورهای استوره ای، دینی، فرهنگ، تاریخ و حماسه های ایرانی- آریایی گزارش می دهد. یشت ها از دو راه نسخه های خرده اوستا و همچنین بگونه مستقیم بدست ما رسیده اند.

به گمان نزدیک به یقین یشت ها برگرفته از یغان یشت اوستای ساسانی است. یغان یشت که بیشتر جانمایه خود را از افسانه ها و استوره های بسیار کهن آریایی- ایرانی دارد، نسکی بوده است درنیایش و ستایش اهورامزدا، که بزرگترین یغان است و همچنین ستایش از فرشتگان و ایزدان و نام روزهای سی گانه ماه. از گزارش دینکرد می توان به این نتیجه رسید که نیایش های گنجانده شده زید نام یشت ها، زمانی بخشی از یغان یشت را تشکیل می داده اند که خود هفتمین بخش از پاره داتایی اوستای اصیل و مفصل بیست و یک جلدی بوده است.

یشت ها به ایزدان و یا مفاهیم چهارگانه زیر تقسیم شدن هستند: نخست، برگرفته از استوره های ایرانی - هندی مانند هوم و میترا. دوم مفاهیم و خدایان ایرانی پیش از زرتشت مانند آناهیتا، درواسپا و فر. سوم،

فریافت های کاملاً زرتشتی مانند هورمزد، امشاسپندان، فروشی، رشنو، اشا، خرداد و سروش. چهارمین دسته نیز دربرگیرنده عناصر زیست بوم مانند خورشید، ماه و باد و تیشتر (ستاره). هر یشت به بخش هایی به نام "کرده" تقسیم می شود که سطر نخست و معمولاً سطر واپسین هر کرده با توصیف ایزد و گزاره ای در پرستش او همراه است. در یشت ها داستان های اسطوره ای بیشتر به صورت اشاره اند اگرچه در روایت های زند و یازند آنها کاملتر و مشروحتر مطرح شده اند.

در اوستای کنونی بیست و یک یشت را دارا هستیم. از آنجایی که یشت ها سروده هایی برای ایزدانی هستند که نگهبان تک تک روزهای ماه هستند، شمار یشت ها شاید سی می بوده که تنها بیست و یکی از آنها بدست ما رسیده است. فراموش نکنیم که در گاه شماری ایران، هر ماه سی روز داشته و هر روز به نام یک امشاسپند یا ایزد نامگذاری شده بوده است. نام این سی روز در کتاب آثار الباقیه چنین آمده است: «هرمز، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارمذ، خرداد، مرداد، دی بآذر، آذر، آبان، خور، ماه، تیر، گوش، دی بهمر، مهر، سروش، رشن، فروردین، بهرام، رام، باذ، دی بدین، دین، ارد، اشتاد، آسمان، زامیاد، مارسفند و انیران».

یغان یشت را می توان، همانگونه که از نامش پیداست، ایزدنامه دین های کهن ایرانی که کم کم در کیش زرتشتی حل شده اند، بشمار آورد. حضور ایزدان در یشت ها، این بخش از اوستا را از جایگاه ویژه ای برخوردار کرده است. در حقیقت بدون یشت ها، پژوهش در یزدان شناسی ایران باستان، بسیار دشوار می بود. بررسی یشت ها نه تنها ما را به شناخت ایزدان کهن ایرانی نزدیک می کند، بلکه با روحیه و بینش ایرانیان باستان نیز آشنا می سازد. از این روی، با این که یشت ها از نظر زبان و جستار، متفاوت از گات ها هستند، پس از گات ها، مهمترین بخش اوستا به شمار می آیند.

برخی از یشت ها که بزرگتر و کهنتر می باشند در زمانی نگارش شده اند که زبان گفتگوی مردم، اوستایی بوده است. خیلی از زبانزدها و گزاره های رایج آن روزگار در یشت های کهن دیده می شوند. از ادبیات یشت های جوان تر اینگونه دریافت می شود که زبان اوستایی در زمان سروده شدن یشت های جواتر تنها توسط موبدان بکار می رفته و همه مردم در زندگی روزمره خویش از آن بهره نمی گرفته اند.

یشت ها گرچه ساختار شعری ندارد، ولی لطیف و شاعرانه است. از آغاز هم یشت ها بگونه شعر هجایی بوده اند که با شعر عروضی (که امروزه به گوش ما آشناتر است) متفاوت است. یشت ها از دیدگاه زمینه جستار نیز با یکدیگر تفاوت دارند. یشت های کوچک بیشتر نیایش هایی است که با یسناها و ویسپرد، هماهنگی دارد و گاهی حتی تکراری بنظر می رسند. یشت های بزرگ به جستارهای ویژه ای مانند فر، سوشیانت، آژی دهاک و افراسیاب و ... پرداخته اند. آبان یشت و تیشتر یشت به رویدادهای طبیعی اشاره می کند و موضوع مهر یشت و فروردین یشت بیشتر جنبه اخلاقی دارد و در زامیاد یشت از شکوه پادشاهی ایران سخن رفته و رقابت ایرانیان و تورانیان را یادآوری کرده است.

بر پایه حضور پررنگ چهره ها و پهلوانان پیش از زرتشت در یشت ها، پیداست که دین زرتشتی، با این نمادها و مفاهیم برآمده از فرهنگ ایرانیان و عرف جامعه سر ستیز نداشته است و آنها را به مرور زمان با رنگ و بوی زرتشتی به درون متون خود آورده است. هر چه باشد، استوره های ایرانی، زاینده و برآمده از اندیشه ایرانی برای تبیین و تفسیر رخدادها و پدیده های هستی بوده اند و بنابراین این داستانها و چهره های استوره ای در پیکر دین نوین حفظ گشته اند.

همانگونه که گفته شد، برخی یشت ها سروده هایی هستند که در ریشه شان، برای ستایش خدایان آریایی ساخته شده بودند و پس از پدیدآمدن آیین زرتشت، این خدایان به آرامی به ظرف ایزدان زرتشتی درآمدند. نامها تقریباً همان نامهای پیشین ماندند ولی نقش آنها از خدایی به ایزدی دگرسان شد. ستایش و پرستش ایزد هر یشت در آغاز و پایان آن یشت، آورده می شود که معمولاً گزاره ای تکراری است. از سوی دیگر، فریافت های آیین زرتشت همچون "وهومن"

و "خسترا ویریه" که از بنیادهای پایه ای درک این دین هستند و از زمره مفاهیم انتزاعی بشمار می روند، به نمای ایزد درآمده و بگونه مفهوم عینی ارائه شده اند.

نام برخی از یشت ها با درونمایه آن چندان هماهنگ نیست. برای نمونه در "اشتاد یشت" که به نام ایزد راستی و درستی است، یادی از این ایزد نشده است ولی به "فرّ ایرانی" پرداخته شده است. در "دین یشت" از چیستا که ایزد دانش است، سخن می رود. در "رام یشت" که به نام ایزد آرامش است، کانون سخن، "واپو" که ایزد باد است، می باشد. در "زامیاد یشت"، افزون بر زمین که باید کانون سخن باشد، به فرّ کیانی نیز، پرداخته می شود.

گرچه درونمایه یشت های بزرگ مانند مهر یشت، آبان یشت، فروردین یشت، زامیاد یشت، دین یشت و تیشتر یشت، به روزگار پیش از زرتشت برمی گردد ولی نگارش آنها پس از زرتشت انجام گرفته است. آشکار است که در این بازنویسی، برخی جستارهای نو نیز به آنها افزوده گشته اند که تأثیر گرفته از آموزه های زرتشتی بوده اند. در این گونه یشت ها، افزون بر ستایش ایزدان، داستانهای حماسی نیز آمده اند که اشتراکات جالبی با چهره های استوره ای و حماسی شاهنامه دارند. همانندسازی در بازگویی داستانهای استوره ای و پهلوانی، از ویژگی های آشکار برخی از یشت هاست. از جمله این همانندی ها، پرداختن به فرازهایی از روزگار پیشدادیان و کیانیان هستند که البته دارای تفاوت هایی هم با شاهنامه در روند داستان و یا ویژگی های خود قهرمان داستان هستند.

یشت های کوچک که بنظر می آید، دیرینگی یشت های بزرگ را ندارند، از نگارشی ناگویاتر از یشت های بزرگ برخوردارند. تکرار در آنها بسیار بچشم می خورد و در آنها کمی آشفتنگی و ابهام دیده می شود.

زند یا همان تفسیر پهلوی بیشتر یشت ها بدست ما نرسیده اند و تنها شماری از زند یشت های کوچک تاکنون برجای مانده اند. نامدارترین آنها، "زند بهمن یشت" یا "زند بهمن یسن" است. در آن، رویدادهای آینده ایران در پایان جهان و پدیدار شدن

سوشیانت، پیشگویی شده است. اینک نگاهی به بیست و یک یشت موجود می اندازیم:

یشت یکم: هرمزد یشت
این یشت دربرگیرنده سی و سه بند است. این یشت در باره نامها و صفات اهورامزدا و نیایش است. فرستادن درود بر فرّ کیانی و ایران ویج و همچنین نیایش معروف "یتا اهو" و "اشم وهو" در آن گنجانده شده است.

یشت دوم: هفتن یشت یا هفت امشاسپند یشت
دارای پانزده بند و در ستایش هفت امشاسپندان است. از یشت های جوان است و نگارشی نارسا و کمی آشفته دارد.

یشت سوم: اردیبهشت یشت
دارای نوزده بند در ستایش دومین امشاسپند، اشاوهیشت یا همان اردیبهشت است. این یشت از یشت های پس از زرتشت باید بوده باشد. اردیبهشت یشت در آیین های که برای درمان بیماران برپا می گردند و همچنین برای دورکردن اهریمن خوانده می شود.

یشت چهارم: خرداد یشت
دارای یازده بند و در ستایش پنجمین امشاسپند، خرداد است. خردادی که بالندگی و رسایی انسان را نمایندگی می کند. این یشت می گوید که کسی که به امشاسپندان، و بویژه خرداد، پناه بَرَد و نامش را یاد کند، بیماری ها و آلودگی ها از او دور می گردد. برخی از واژگان این یشت بهم ریخته و از میان رفته اند.

یشت پنجم: آبان یشت
دارای ۱۳ بند است. پس از فروردین یشت و مهر یشت، بزرگترین یشت بشمار می رود. این یشت به ایزدبانوی آب ها، آناهیتا، اختصاص دارد. در این یشت، باورهای کهن آریایی با آموزه های زرتشتی درآمیخته اند. اهوره مزدا به این ایزدبانو زندگی بخشیده تا در ستیز با اهریمنیان و دیوان، یاور آدمی باشد. به چهره های بسیاری از شاهان و سرداران پیشدادی و کیانی مانند هوشنگ، جمشید، فریدون، کی کاووس، کیخسرو، توس و نوذر، در این یشت پرداخته شده است.

یشت ششم: خورشید یشت

دارای هفت بند و در ستایش خورشید است که در اوستا "هَوَرّ خشه تَه" و در پهلوی "خورشت" نامیده می شود. خورشید در این یشت، "جاودانی" و "تیزاسب" خوانده شده که اگر برنیاید، دیوان هرآنچه را که بر روی هفت کشور روی زمین است نابود می کنند.

یشت هفتم: ماه یشت
دارای هفت بند در ستایش ماه است که در شب تار، یاری رسان انسان در رویارویی با تاریکی است. همچنین ماه دربرگیرنده تخمه و نژاد ستوران نامیده شده است.

یشت هشتم: تشر یشت
دارای ۶۲ بند است و در ستایش ایزد باران است. تشر را در اوستا "تیشتریه"، در پهلوی تیشتر و در فارسی تشر گویند. جدال تیشتر با "اپوش"، دیو خشکسالی، و اشاره به تیراندازی آرش و جشن تیرگان از بخشهای برجسته این یشت است. «تشر ستاره رایومند فرهمند را می ستایم که تند به سوی دریای فراخکرت تازد مانند آن تیر در هوا پَران که آرش تیرانداز، بهترین تیرانداز آریایی، از کوه ائیریوخشوت به سوی کوه خوانونت انداخت».

یشت نهم: درواسپ یا گوش یشت
دارای ۳۳ بند است. معنای واژه "درواسپ" برابر با «دارنده اسب درست» می باشد و واژه "گوش" یا در زبان اوستایی "گاؤش" (gāuš)، فرشت نگهبان چارپایان است. باید زمان ساخته شدن این یشت، زمان رام کردن اسبها توسط مردمان فلات ایران بوده باشد. در باره چهره های مانند هوشنگ، جمشید، فریدون، هوم، کیخسرو، افراسیاب، کیخسرو، زرتشت و کیگشتاسب در این یشت، سخن رفته است.

یشت دهم: مهر یشت
بزرگترین یشت پس از فروردین یشت است که دارای ۱۴۶ بند می باشد. در آن، از مهر، ایزد پیمان، سخن می رود. جشن مهرگان در بزرگداشت همین ایزد مهر پا گرفته است. مهر، پشتیبان راستی و درستی و وفای به پیمان است. مهر دارای همکارانی است و با کمک آنها بر همه سرزمین آریایی چیره داشته و بر پا کننده داد است.

مهر غیر از خورشید است. مهر ایزد فروغ و روشنایی است و پیش از خورشید وجود داشته است. این یشت از دیدگاه بیان برخی مناطق جغرافیایی اهمیت بسیاری دارد.

یشت یازدهم: سروش یشت
دارای ۲۳ بند در توصیف و ستایش سروش، ایزد فرمانبرداری، است. سروش از واژه "سرو" که به معنای شنیدن است آمده است. سروش، نغمه وندای درونی است. ایزدمهر و ایزد رشن، روان در گذشتگان را پس از درگذشتن و گذر از پل چینود داوری خواهند کرد تا میزان کردار خوب و بد آنها تعیین شود. گمان می رود که این سروش یشت، هات ۵۶ از یسنا، همان هادخت نسک، بیستمین نسک اوستای دوره ساسانی است. بنابراین آن را سروش هادخت هم نامیده اند و آن را در درون یشت ها جای داده اند.

هات ۵۷ از یسنا را "سروش یشت سه شب" می نامند. دلیل این نامگذاری آن است که این یشت را، در سه شب نخست پس از درگذشت هر کس می خوانند زیرا نگهبانی از روان فرد درگذشته بر دوش ایزد سروش است.

یشت دوازدهم: رشن یشت

رشن، ایزد دادگری است. ریشه واژه "رشن" رَز است که معنای سامان دادن دارد. رشن به همراه دو ایزد مهر و سروش همیشه در کنار هم هستند از جمله برای داوری. این فرشته بویژه با دزدان و راهزنان سر ستیز دارد و وجود او همیشه مایه بیم و هراس آنان است. این یشت از ساختار شکننده و سستی برخوردار است.

یشت سیزدهم: فروردین یشت

دارای ۱۵۸ بند و بزرگترین یشت است. فروردین یشت شاید کهن ترین یشت ها باشد که

یک گنجینه استوره ای ارزشمند است. در این یشت نام بیش از سیصد شاه، پهلوان و پارسا آمده است. این یشت در ستایش فروهرها یا فروشی هاست. فروشی در اوستایی، فروزی در پهلوی و فروهر در پارسی امروز، از نیروهای درونی آفریدگان اهورامزدا است و حتی خود اهورامزدا دارای فروهر است. بر پایه دیگر آموزه های زرتشتی می توان فروهر را در اوستا به دو مفهوم گرفت: نخست به معنای ارواح درگذشتگان و نیاکان که پس از درگذشت آنها، در مینو برجای می ماند. دوم به معنای نیروی مینوی زیست هر موجود که پیش برنده و به اوج رساننده آن آفریده است و پیش از پدید آمدن پدیده ها و جانداران، وجود دارد و پس از مرگ و نابودی آنها، در جایی که از آن فرود آمده بود، رفته و پایدار می ماند. این معنی دوم، مفهوم گاتایی آن است. انسان های دیوسرشت دارای فروشی نیستند.

در بندهای از این یشت، سخن از جنگهای ایرانیان زرتشتی با تورانیان در میان است که نشانی از آنها در جای دیگری از اوستا وجود ندارد. بخش بعدی این یشت به ستایش هفت دسته از فروهرهای قهرمانان دینی زرتشتی از کیومرث تا سوشیانس اختصاص دارد.

یشت چهاردهم: بهرام یشت
این یشت دارای ۶۴ بند است و پیشینه هند و ایرانی دارد. در ستایش بهرام، ایزد پیروزی و درباره اثر معجزه آمیز پَر مرغ "وارغنه"، که نماد بهرام است، در آن سخن رفته است.

یشت پانزدهم: رام یشت
دارای ۵۷ بند است و از یشت های کهن نمی باشد. این یشت در ستایش "وایو"، ایزد هوای خوب یا باد همراه، است. وایو در سانسکریت و اوستا نام ایزد باد است. این ایزد در وداها با ایندرا یکی دانسته شده است ولی ایندرا در دین زرتشت نکوهش شده است اگرچه وایو ستایش گشته است. دی دین زرتشتی، ایندرا اهریمنی و از همکاران دیو مرگ انگاشته می شود. هرچند در ادبیات پهلوی رام و وایو یکی دانسته شده اند ولی به دلیل وجود برخی از متون اوستایی که رام و وایو را در کنار هم آورده و دو ایزد مجزا را به ما شناسانده اند،

نمی‌توان این دو را یکی دانست. در ادبیات زرتشتی دو نوع وای وجود دارد: یکی وای هرمزدی و دیگری وای اهریمنی. وای هرمزدی را رام و یا وای درنگ خدای می‌نامند ولی وای اهریمنی را "استویهاد" گویند.

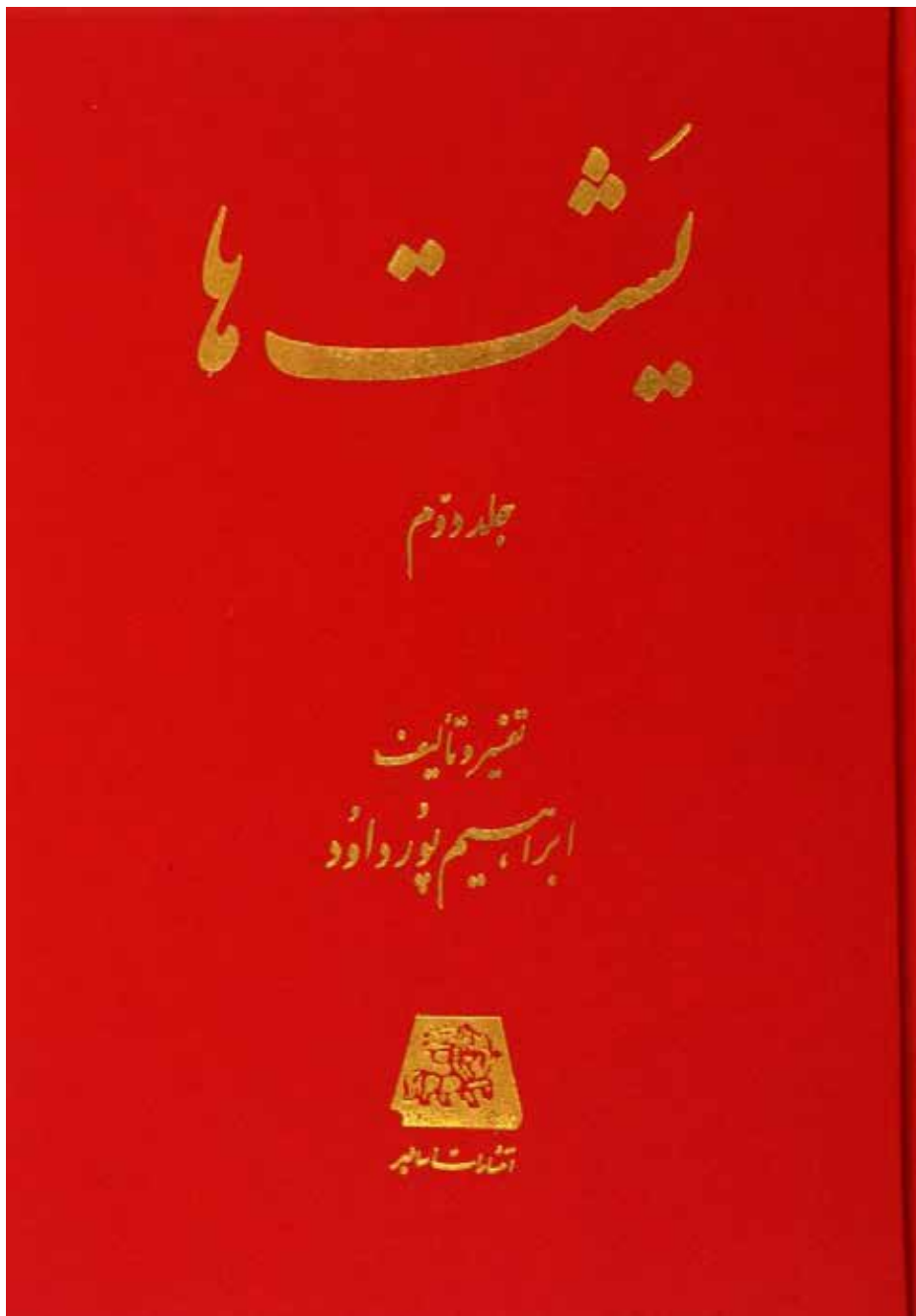
یشت شانزدهم: دین یشت دارای ۲۰ بند است. دین در اوستا دَئنا (daena) است که معنای دیدن، نگرش و یا نیروی وجدان را داراست. این واژه، در پهلوی و زند اوستا، به دین و دینک تبدیل شده است. دین در مزدیسنا به معنای ویژگی روحی و وجدان است و یکی از نیروهای درونی انسان می‌باشد. هرچند که این یشت، دین یشت نام دارد ولی هیچ نامی از دین برده نشده و در سراسر این یشت از دانش، شناخت و چیستا سخن رفته است.

یشت هفدهم: آرَت یشت دارای ۶۲ بند و در ستایش اشی، ایزدیابنوی رفاه و برکت، است. ارت یا ارد در اوستا "اشی ونگوهی" و در پهلوی "ارشش ونگ" نام گرفته است. ارد یشت از دیدگاه نگارش، دلریا و شاعرانه است.

یشت هیجدهم: اشتاد یشت این یشت دارای ۱۰ بند است. اشتاد گونه پهلوی "ارشتات" اوستایی است که درستی معنا می‌دهد. اشتاد در یسنا نیز به عنوان ایزدی مطرح شده است. ایزد اشتاد بیشتر با ایزد رشن همراه است چون راستی و درستی معمولا همگام یکدیگرند. این یشت را یشت «اَئیرینم خوارنو»، یعنی فَرّ

ایرانی، نیز نامیده‌اند همچنان که زامیاد یشت را یشت فَرّ کیانی نیز گفته‌اند.

یشت نوزدهم: زامیاد یشت دارای ۹۵ بند است. با نام "کیان یشت" هم



آمده است. زامیاد به معنای فرشته زمین است. واژه "زمین" در اوستا به صورت "زَم zam" و در پهلوی به صورت "زمیک" آمده است. زمین در آیین مزد یسنا، ارجمند و حتی مقدس است. بخش نخست آن به جغرافیای تاریخی ایران اشاره دارد و نام البرز کوه و برخی از کوه‌های دیگر ایران را بیان می‌کند که شهرت یا داستان و استوره‌ای را به همراه داشته‌اند. بخش دوم

در ستایش فر کیانی است که سبب فر وشکوه کشور خواهد شد.

در اوستا از دو فَرّ بگونه ویژه یاد شده است: یکی فر ایرانی یا "اَئیرینم خوارنو" و دیگری فر کیانی یا "کوئینیم خوارنو".

در بندهای ۲۵ تا ۷۷، به فَرّ شاهان و قهرمانان پرداخته شده است. بندهای ۵۵ تا ۶۴ در باره کوششهای افراسیاب برای به دست آوردن فَرّ است. در بندهای ۶۵ تا ۶۹ از فر رود هیرمند، سخن رفته است. در بندهای ۷۰ تا ۷۷ از فَرّ شاهان کیانی یاد شده است. در بندهای ۷۸ تا ۸۷، از فَرّ زرتشت و فَرّ گشتاسب سخن رفته است. به فر سوشیانت‌های سه گانه در بندهای پایانی پرداخته شده است.

یشت بیستم: هوم یشت یشت کوچکی است که در ستایش هوم (haoma) است. این گیاه که نامش در اوستا و همچنین وداهای هندی آمده است، برای ایرانیان و هموزاده‌های هندی آنها، مقدس و رازآلود بوده است. درونمایه این یشت در یسنای غیرگاتایی هم آمده است.

یشت بیست و یکم: وَئند یشت

واپسین یشت اوستا است که تنها دارای یک بند است. ستاره وَئند

از همراهان ایزد تیشتر بشمار می‌رود. این ستاره پناهی برای دوری جستن از خزندگان و حشرات می‌باشد.

زرتشتیان و آینده

پراکندگی، تجمع، ارتباط و تنوع

رادمان خورشیدیان

پیشگفتار

آنچه پیش روی شماست بخش دوم از نوشتار «زرتشتیان و آینده» است. در بخش اول این نوشتار که در شماره پیشین با عنوان «آینده در دیدگاه زرتشتیان» به چاپ رسید، به مبانی لازم برای پاسخ به این پرسش پرداختیم که «زرتشتیان چگونه باید با آینده رویارو شوند؟». در این بخش از نوشتار در پی آن هستیم تا دریابیم زرتشتیان با چه سازوکاری می‌توانند در رویارویی با آینده پیروزمندتر باشند.

همان‌طور که در بخش پیشین بحث شد، منظور ما از جامعه زرتشتیان در این نوشتار «مجموعه افراد باورمند به آموزه‌های اشوزرتشت که در عمل این آموزه‌ها را به کار می‌بندند و با یکدیگر تعامل و همزیستی بلندمدت دارند». بنا بر آنچه گفته شد خویشکاری هر زرتشتی «گسترش اشویی در هستی» است. همچنین خویشکاری زرتشتیان به‌عنوان یک جامعه آفرینش شیوه‌های بهتر و اشوتر «همزیستی» است.

سازوکاری که ما در اینجا به دنبال آن هستیم قرار است بتواند دو هدف زیر را برآورده سازد؛ اول بتواند احتمالی بقای جامعه زرتشتیان را در آینده بیشینه کند و سپس فرایند تکامل جامعه زرتشتیان به‌سوی جامعه‌ای بهتر و اشوتر را هموار کند. این نوشتار بر این ادعا است که سازوکار مناسب برای جامعه زرتشتیان لازم است تا چهار ویژگی پراکندگی، تجمع، ارتباط و تنوع را دارا باشد.

هر فرهنگ تنها در کالبد یک جامعه امکان ادامه حیات دارد. همان‌طور که یک‌زبان برای زنده ماندن نیاز به گویش‌ورانی دارد که با آن گفت‌وگو کنند، یک فرهنگ نیز برای بقا نیازمند مردمانی است تا بر مبنای آن باهم زندگی کنند. برای فرهنگ زرتشتی هم این‌گونه است، یعنی هنگامی که از بقای جامعه

زرتشتیان صحبت می‌کنیم منظور ما برآورده شدن دو عامل است. اول باقی ماندن جمعیت زرتشتیان و دوم تداوم تعامل بین آن‌ها. بر همین اساس، سازوکاری که بخواهد احتمالی بقای جامعه زرتشتیان را در آینده بیشینه کند، نه‌تنها باید جمعیت زرتشتیان را از خطراتی که ممکن است آن‌ها را تهدید کند مصون بدارد، بلکه باید شرایطی ایجاد کند که تعامل بین زرتشتیان تداوم داشته باشد.

شواهد تاریخی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند. چنان چه می‌دانیم تا هفت‌صد سال پیش هنوز جمعیت قابل‌توجهی از زرتشتیان در روستاهای ایران وجود داشته‌اند. این شرایط با ظهور مذهب شیعه تغییر می‌یابد و دین روستاهای زرتشتی‌نشین اندک‌اندک دچار دگرگونی می‌شود. زرتشتیان در این شرایط دو انتخاب داشتند، یا به‌عنوان یک خانواده اقلیت در محل زندگی خود بمانند، یا به جایی که زرتشتیان بیشتری هستند مهاجرت کنند.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که زرتشتیانی که تصمیم گرفته‌اند در انزوا دین خود را حفظ کنند از بین رفته‌اند و تنها آن‌هایی باقی ماندند که گرد هم آمدند و اجتماع‌های بزرگ‌تری را شکل دادند. این اتفاق نشان می‌دهد که برای زرتشتی ماندن ما نیازمند تعامل با یکدیگر هستیم، در غیر این صورت دیر یا زود پس از چند نسل در جامعه بزرگ‌تر حل می‌شویم و از بین خواهیم رفت. درواقع آنچه در هفت‌صد سال اخیر باعث بقای جامعه زرتشتیان ایران شده، همین تشکیل اجتماع‌های متمرکز در یزد و کرمان بوده است. ساختارهایی که امروزه با نام جوامع قصدمند یا Intentional Communities شناخته می‌شوند.



چنان چه در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت، جامعه قصدمند یک اجتماعی انسانی است که بر اساس قواعدی از پیش تعیین‌شده تشکیل یافته است. تنها افرادی اجازه سکونت در این جوامع را دارند که این قوانین را پذیرفته باشد و به آن پایبند باشند. طبیعتاً این قواعد متفاوت با مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه بیرون است. بر این اساس می‌توان روستاها و محله‌های زرتشتی‌نشین را گونه‌ای از جوامع قصدمند دانست که قواعد همزیستی در آن بر مبنای دین زرتشتی تعریف شده بودند و با قواعد مرسوم در جامعه بزرگ‌تر متفاوت بودند. بنابراین، برای بقای دین و جامعه زرتشتی وجود اجتماع‌هایی از زرتشتیان که با یکدیگر حداقلی از تعامل را داشته باشند حیاتی به نظر می‌رسد. سخن اصلی این نوشتار هم دعوت زرتشتیان به تشکیل و بازسازی این جوامع است.

درس دیگری که می‌توان از تاریخ زرتشتیان گرفت، اهمیت ارتباط در عین پراکندگی است. اگرچه زرتشتیان برای حفظ بقای خود در یزد و کرمان گرد هم آمدند، اما جالب است که همه

آن‌ها در یک نقطه متمرکز نشدند. این امر در مورد زرتشتیان یزد بیشتر قابل‌مشاهده است. جمعیت زرتشتیان یزد در شبکه‌ای از روستاها و محله‌ها پراکنده شده بودند که در عین فاصله از یکدیگر باهم ارتباط داشته‌اند. در نگاه اول شاید این امر تصادفی به نظر برسد، اما یکی از دلایل اصلی باقی ماندن زرتشتیان از پس تهدیدها و بحران‌ها همین ساختار شبکه‌ای بوده است. ساختار شبکه جوامع یزد الگویی است که امروزه با نام سیستم‌های پیچیده سازگارا یا Complex Adaptive Systems شناخته می‌شود.

سیستم پیچیده سازگارا به مجموعه عناصر یا موجوداتی گفته می‌شود که در عین استقلال از یکدیگر باهم در تعامل هستند. نمونه ملموس آن گله ماهی‌ها یا پرندگانی است که اگرچه از مجموعه‌ای موجود یکسان و خودمختار تشکیل یافته اما می‌تواند به‌صورت دسته‌جمعی نسبت به حیوانات مهاجم واکنش نشان دهد. ویژگی عمده این سیستم‌ها همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست توانایی‌شان در سازگار شدن با تغییرات محیطی است. سازوکار این سیستم‌ها به‌گونه‌ای است که اگر در هنگام بحران بخشی از سیستم نابود شود، به دلیل مستقل بودن عناصر، بخش باقی‌مانده سیستم می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد و بخش نابودشده سیستم را هم بازسازی کند.

پراکندگی و درعین‌حال ارتباط بین جوامع زرتشتی به آن‌ها این اجازه را می‌داده که نسبت به یک جامعه متمرکز به تهدیدات بهتر پاسخ بگویند. این پراکندگی و ارتباط باعث می‌شده که اگر برای یک روستا فاجعه‌ای مانند خشکسالی، غارت یا بیماری رخ دهد دیگر زرتشتیان جان سالم به در ببرند و بتوانند برای ترمیم جمعیت به آن روستا کمک کنند.

یک نمونه تاریخی مناسب دیگر برای درک اهمیت پراکندگی و ارتباط تاریخچه روابط بین زرتشتیان ایران و پارسیان هند است. فاصله بین این دو گروه از زرتشتیان باعث شده تا

بقای دین زرتشتی تنها در گرو شرایط سیاسی و اجتماعی یک کشور نباشد و در صورت تهدید یکی دیگری به کمک آن بیاید. در طول تاریخ پارسیان بارها زرتشتیان ایران از خطر نابودی نجات دادند و همچنین زرتشتیان ایران نیز کمک بسیاری به پارسیان برای حفظ هویت و بخش‌های از یادرفته دین‌شان کردند. این رابطه متقابل بین ایرانیان و پارسیان می‌تواند الگویی مناسب برای روابط زرتشتیانی که امروز در سرتاسر گیتی پراکنده شده‌اند باشد و پدیده‌ای با نام «شبکه جوامع زرتشتی» را شکل دهد. ساختاری که نمونه گسترده‌تر همان شبکه جوامع زرتشتی در یزد یا کرمان است. همان‌طور که از نام آن پیدا است این شبکه از جوامع قصدمند زرتشتی تشکیل شده است که در سرتاسر گیتی پراکنده شده‌اند و به‌وسیله امکانات روزافزون ارتباطات و حمل‌ونقل با یکدیگر در ارتباط خواهند بود.

در دوران معاصر نیز تلاش‌هایی برای بازسازی جوامع زرتشتی صورت گرفته است که می‌توان به رستم باغ در تهران و خسرو باغ در بمبئی اشاره کرد. البته این پروژه‌ها آن‌گونه که باید در جامعه زرتشتی مورد اقبال عمومی قرار نگرفته و گسترش نیافته‌اند. دلیل اصلی آن را می‌توان توجه بیشتر به کالبد جامعه بجای پرداختن به روح حاکم بر آن دانست. به این معنی که در فرآیند تشکیل آن ابتدا ساختمان آن‌ها بنا شدند و سپس زرتشتیان در آن اسکان داده شدند؛ اما شیوه درست‌تر برای تشکیل جوامع قصدمند این است که ابتدا گروهی از افراد زندگی در کنار یکدیگر را انتخاب کنند و بر سر قواعد همزیستی با یکدیگر به توافق برسند و سپس اندک‌اندک به شکل دادن کالبد فیزیکی خود بپردازند. یک ویژگی دیگر که باید در شبکه جوامع زرتشتی حفظ شود تنوع است. دین زرتشتی برای تازه باقی ماندن در طول زمان ساختاری لایه‌لایه به خود گرفته است. در مرکز این ساختار اصول و جهان‌بینی قرار دارد که شالوده‌های فکری دین زرتشتی را شکل می‌دهند، مانند «راستی» و «اندیشه نیک» که دگرگون ناپذیرند و اگر تغییر کنند دین

زرتشتی به چیز دیگری بدل خواهد شد. به دور این هسته لایه‌هایی از باورها، سنت‌ها و عرف‌ها تنیده شده است که کار آن‌ها عملیاتی کردن اصول مرکزی و سامان دادن جامعه است تا مردم بتوانند با این قراردادهای زندگی روزمره خود را بگذرانند.



مسئله این است که قوانین بیرونی و عملیاتی کوتاه مدت هستند و به‌مرور زمان اعتبار و کارایی خود را از دست می‌دهند. اصل فرسنگد به‌خوبی به این حقیقت اشاره دارد که ساختارهای اجتماعی همواره نیازمند تازه شدن هستند. فرآیند پوسیده شدن و ناکارآمد شدن ساختارهای اجتماعی در جوامع زرتشتی نیز رخ داده است. شمارشان کم نیست زرتشتیانی که رغبتی به ارتباط با جامعه زرتشتی ندارند و دلیل آن تنها نامتناسب بودن قراردادهای شکل‌گرفته در جامعه زرتشتی با نیازها و خواسته‌های زرتشتیان امروز است. عرف‌هایی که متناسب با سبک زندگی گذشته زرتشتیان در روستاها و محله‌های درهم تنیده شکل گرفته‌اند و اگرچه در دوران خود بسیار دلپذیر و راهگشا بودند، در سبک زندگی امروز ناکارآمد هستند. جوامع آینده زرتشتی نیازمند آن است تا بر مبنای هنجارها و عرف‌های نوینی شکل بگیرد که هم بر اساس اصول جهان‌بینی اشوزرتشت باشد و هم موردتوافق زرتشتیان امروز تا بتواند برای آن‌ها لذت همزیستی و هم‌افزایی را به ارمغان بیاورد.

خلق شیوه‌های جدید همزیستی نیازمند آفرینش و آزمون است. زرتشتیان نیاز دارند تا شیوه‌های متنوع همزیستی را تجربه کنند و تجربه حاصل از آن‌ها را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. شبکه جوامع زرتشتی این اجازه را به زرتشتیان می‌دهند که سبک زندگی مطلوب خود را انتخاب کنند و به آن شکل دهند و درعین‌حال در ارتباط با یکدیگر به انتقال تجربه و کمک به یکدیگر بپردازند.



این تنوع به جامعه زرتشتیان اجازه می‌دهد تا با رویدادهای آینده بهتر و ایمن‌تر رویارو

شود. آینده پدیده‌ای ناشناخته است و ما هیچ‌وقت نمی‌توانیم بدانیم نتیجه تصمیمی که امروز می‌گیریم در آینده ما را به کجا می‌برد. استقلال جوامع زرتشتی از یکدیگر به آن‌ها این اجازه را می‌دهد تا بتوانند درباره موضوعاتی که امروز برای ما مبهم است انتخاب‌های چندگانه‌ای داشته باشند و انتقال تجربه آن‌ها می‌تواند دیگر جوامع را در گرفتن تصمیم بهتر یاری کند. به‌عنوان مثال مسئله‌ای که زرتشتیان امروز با آن مواجه هستند چگونگی پذیرش نوکیشان در جامعه است. اگر هر اجتماع بتواند به صورت مجزا شیوه متفاوتی را در این باره انتخاب کند، اندک اندک راه حل درست پیدا خواهد شد و می‌توانیم به کارآمدترین شیوه در این باره دست پیدا کنیم.

جوامع آینده زرتشتی می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد. آن‌ها می‌توانند با درجات مختلفی از تعامل بین زرتشتیان شکل بگیرند، از گروهی از زرتشتیان که در یک شهر پراکنده هستند ولی با سامادی مشخص با هم در ارتباط اند تا مجتمع‌های مسکونی که ویژه زرتشتیان است و در آن زرتشتیان تعامل و همزیستی تنگاتنگ و بلندمدتی با هم دارند. وجه مشترک همه آن‌ها این است که از افراد که به آموزه‌های زرتشتی باور دارند تشکیل شده است و قواعد همزیستی در آن‌ها بر اساس اصول دین زرتشتی بنا نهاده شده است.

پراکندگی این جوامع یک فرصت دوسویه را برای جامعه زرتشتیان ایجاد می‌کند، از یک‌سو می‌تواند باعث گسترش آموزه‌های زرتشتی در جوامع میزبان شود و از طرف دیگر همزیستی زرتشتیان در فرهنگ‌های دیگر و جذب و فهم این فرهنگ‌ها و انتقال آن به دیگر هم‌کیشان می‌تواند باعث غنای تنوع فرهنگ زرتشتی شود.

اگرچه پراکندگی زرتشتیان در گیتی پدیده‌ای طبیعی و نیکو است و با آگاهی از این‌که پیام اشوزرتشت یک پیام انسانی و جهانی است، نباید از این حقیقت چشم‌پوشی کرد که فرهنگ ایرانی و زرتشتی رابطه درهم‌تنیده‌ای با یکدیگر دارند، چنان‌که حیات یکی بدون دیگر غیرقابل‌تصور است. ظهور اشوزرتشت



یک خرده‌فرهنگ از منظومه فرهنگ‌های جهان نیست که به معنی شکست خوردن انسان در ساختن جامعه‌ای بهتر بر پایه راستی است.

جهان توسط مردمانی به‌پیش می‌رود که راه‌هایی نو برای خوشبخت‌تر زیستن به دیگران ارزانی می‌دارند. جامعه ما نیز هم‌اکنون نیازمند این‌چنین کسانی است. آن‌هایی که شیوه‌هایی نو برای همزیستی بر پایه راستی و خرد بیابند و دیگران را به دور خود گردآورند. اگر شما نیز جزو این افراد هستید می‌توانید با نشانی ایمیل Khorshidian.Radman@gmail.com با من در تماس باشید.

بگذارم، بیش از آنکه از جنس ادعا و بحث و استدلال باشد، از جنس رؤیا است. اشوزرتشت مردی بود که رؤیایی بزرگ داشت، رؤیایی درباره جای بهتری برای زیستن. جامعه‌ای بر پایه راستی، خرد، اندیشه نیک و شهریار بر خویشی که مردم در آن شاد و خوشبخت زندگی می‌کنند. ما زرتشتیان کسانی بودیم که رؤیای او را باور کردیم و قرن‌ها است که پای ساختن آن ایستاده‌ایم. رؤیایی که اشوزرتشت آن را آفرید و کسانی مثل کوروش و داریوش آن را تحقق بخشیدند. رؤیایی که حتی در دل زرتشتیانی که از جای‌جای ایران به یزد و کرمان کوچ می‌کرده‌اند هنوز هم زنده بوده است. هنوز هم ما زرتشتیان هر روز در هنگام گشتی بستن، پس از هم‌آزوری با نیکان هفت کشور زمین، آرزومندیم تا از چنود عبور کنیم و به سرای نور و سرود «گروثمان» برسیم.

ولی حالا ما زرتشتیان در بین هیاهوی دنیای مدرن سردرگم شده‌ایم. از دست یافتن به آن رؤیا نومید شده‌ایم و هرکدام در گوشه‌ای از دنیا منزوی و تنها وامانده‌ایم. بدون شک این شرایط دیر یا زود به نابودی ما ختم خواهد شد؛ اما یادمان باشد، نابودی زرتشتیان تنها محو شدن

و آیین او بدون شک یک نقطه درخشان در تاریخ ایران‌زمین بوده است و جهان‌بینی زرتشتی بخش مهمی از هویت ایرانی را شکل داده است. همچنین آیین زرتشت در بستر فرهنگ ایران‌زمین تبلور یافته و فهم بخش‌های مهمی از اندیشه زرتشت تنها با آشنایی با فرهنگ ایرانی امکان‌پذیر است؛ بنابراین باید پذیرفت که جوامع زرتشتیان ایران همواره نقش کلیدی در شبکه جوامع زرتشتی خواهند داشت و حفظ آن‌ها برای بقای فرهنگ زرتشتی حیاتی خواهد بود.

سخن آخر آنچه در آخر می‌خواهم با شما در میان

کشور با مهندسی بهنام آبادیان

خبر نگار چهره نما



در سال ۱۹۷۵ به ایران برگشتم و با برادر مر روانشاد مهندس آبادیان مشغول به کار راهسازی شدم و سرپرستی شاخه استان خوزستان در جنوب کشور را به عهده گرفتم و پروژه های بزرگ راه سازی و راه آهن را اجرا کردم و در سال ۱۹۸۱ به آمریکا مهاجرت کردم اما در سال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۵ در دو مقطع شش ماهه برای اتمام و تحویل پروژه های راه سازی اهواز-اندیمشک و اهواز-خرمشهر و اهواز-بندر شاهپور و سه قطعه خط راه آهن جنوب را در میانه جنگ ایران و عراق که فوق العاده استراتژیک بود به ایران برگشتم و دین خود را به کشور ادا کردم. در آمریکا هم همزمان با کار برای اشنای هرچه بیشتر با نحوه کار در آمریکا نزدیک به ۱۰ دوره مختلف در رابطه با اقتصاد و بازرگانی مانند دوره قوانین مالیاتی، بازرگانی، معاملات املاک و حسابداری را در دانشگاه نورتریج گذراندم و در سال ۱۹۸۷ موفق به دریافت مدرک مهندسی حرفه ای (PE) از ایالت کالیفرنیا شدم و در شهرداری لس آنجلس مشغول به کار شدم و همزمان هم شرکت ساکستون خود را هم اداره می کردم البته به صورت پاره وقت و در سال ۲۰۰۲



از شهرداری لس آنجلس بازنشسته شدم و از آن زمان تا اکنون مدیر عامل شرکت صنعتی ساکستون هستم.

فریدون فرخ فرشته نبود
ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت این نیکویی
تو داد و دهش کن فریدون تویی
جهان به فرهنگ ایران بسیار وامدار
است و ایرانیان، نخستین کسانی بودند که
فرهنگ داد و دهش و همزوری را برای
پیشبرد جامعه به همگان آموختند، چرا
که می دانستند کارهای بزرگ، با شکوه و
ماندگار تنها با همزوری و داد و دهش
به سرانجام می رسد و همگان از آن بهره
خواهند برد.

با آقای مهندس بهنام آبادیان یکی از
دهشمندان خوشنام هازمان زرتشتی
گفتگویی داشتم که چکیده آن به شرح
زیر است
مهندس آبادیان فرزند آخر روانشادان
کیومرث آبادیان و خرمن کیامنش هستند
که در سال ۱۹۴۷ میلادی در تهران به
دنیا آمدند. دوره شش ساله مدرسه را
در سال ۱۹۵۹ در دبستان ویژه تهران
به پایان رساند و سپس به شاگرد ممتاز
ایران وارد دبیرستان البرز تهران شد و
سپس با دیپلم ریاضی در سال ۱۹۶۵
وارد دانشگاه پهلوی شیراز شد و در سال
۱۹۷۱ با درجه فوق لیسانس راه ساختمان
فارغ التحصیل و سپس دوران سربازی را
در سپاه ترویج و آبادانی سپری کردند و
سپس در سال ۱۹۷۳ برای ادامه تحصیل
به دانشگاه ویلدنوو در پنسیلوانیا
امریکا رفتند و با درجه MS مهندسی راه
ساختمان فارغ التحصیل شدند و در
سال ۱۹۷۴ با بانو مرجان معتمدی پیمان
زناشویی بستند.

**پرسیدم پس از پایان تحصیلات در
آمریکا به چه کاری مشغول شدید؟**

مهندس آبادیان همیشه در کارهای خیر و
فرهنگی پیش قدم بوده اند که به شماری
از آنان اشاره می کنم

- پرداخت باقیمانده بدهی خرید
ساختمان آبادیان لس آنجلس به همراه
برادر گرامیشان زنده یاد مهندس رستم
آبادیان به مبلغ سیصد هزار دلار در سال
۲۰۰۲.

- عملیات نوسازی و باسازی قسمت هایی
از این مرکز فرهنگی زیر نظر و مدیریت
داوطلبانه ایشان و دهش بیش از هفتاد
درصد هزینه های انجام شده که شامل
تعویض سقف قبلی به یک سقف جدید
و با استحکام بیشتر و ارتفاع بالاتر،

سعی کرده ام با توجه به این آموزه ها در زندگی گام بردارم، بر آن شدم تا بهترین قسمت های آن را با استفاده از کتاب هفده پژواک گات ها و با یاری یکی از دوستان فرهیخته خود انتخاب و با صدای دلنشین فریدون فرح اندوز و موسیقی فرد میرزا ضبط نمایم و در اختیار همگان قرار دادم و اکنون بر روی یوتیوب هم می توانید آن را با کلید واژه (Gatha of Zarathustra) بشنوید و برنامه بعدی من هم این است که بخش هایی دیگر از گات ها را به زبان انگلیسی آماده و در دسترس همگان قرار بدهم و امیدوارم این دهش فرهنگی بتواند آموزه های گات ها را در بین جوانان ما گسترش دهد و آنان هم به دیگران آموزش دهند تا بتوانیم هرچه بیشتر این فرهنگمان را به دیگران معرفی کنیم. از دیگر کارهایی که در نظر دارم انجام بدهم تهیه بانک اطلاعاتی بزرگی شامل کتاب و تصویر و فیلم از فرهنگ و تاریخ ایران و زرتشتیان است تا با در دسترس قرار گرفتن آن برای همه افراد به خصوص جوانان، آنها بتوانند با بهره گیری از این اطلاعات هرچه بیشتر به فرهنگ و آداب نیاکان خود آشنا شوند و هم بتوانند با آگاهی از این فرهنگ آن را به جامعه امریکایی هم معرفی کنند.

در آخر هم مهندس از احتیاج هازمان زرتشتی به یک مجتمع بزرگ فرهنگی، ورزشی و اجتماعی که شامل سالن های بزرگ ورزشی و همایشی و کتابخانه و سالن کنفرانس و نیاپشگاه باشد در جنوب کالیفرنیا سخن گفت و اعلام آمادگی نمود تا با همازوری و همیاری دیگر افراد خیراندیش و دور اندیش جامعه این مهم را به انجام برساند. با سپاس از آقای مهندس بهنام آبادیان و آرزوی دیرزیوی و شادزیوی برای خودشان و خانواده محترمشان.



رشد و نمو نموده ام که همیشه کارهای خیر و فرهنگی انجام می داده اند و از انجایی که خود من علاقه زیادی به فرهنگ ایرانی و آموزه های اشو زرتشت دارم همیشه در این فکر بودم که مرکزی را باید داشته باشیم تا بتواند این فرهنگ غنی و آموزش های زرتشت را به گوش همگان برساند که با کمک به خرید ساختمان آبادیان و تبدیل آن به یک مرکز فرهنگی دینی تا حدودی به خواسته خود رسیده ام و تمام کوشش خود را در طراحی و اجرا بازسازی این مرکز به کار برده ام تا از عنصرهای ایرانی و هخامنشی به کار ببرم تا یادآور شکوه و عظمت ایران باشد و هم اکنون هم در حال آماده کردن مجسمه کورش بزرگ با طراحی روانشاد مهندس امینی سام از جنس برنز و با ابعاد واقعی که ارتفاع آن با پایه به ۱۱ فوت می رسد هستم و در نظر دارم دور پایه آن را با پلاک هایی شامل اطلاعاتی از منشور کورش و قوانین متعالی ایران باستان آماده و در مرکز لس آنجلس نصب نمایم تا نمادی از شکوه ایران باشد.



از مهندس خواستم در مورد تهیه سی دی های گاتها و برنامه های آینده توضیح بدهد
من چون علاقه زیادی به آموزش های اشوزرتشت و گات ها دارم و همیشه هم

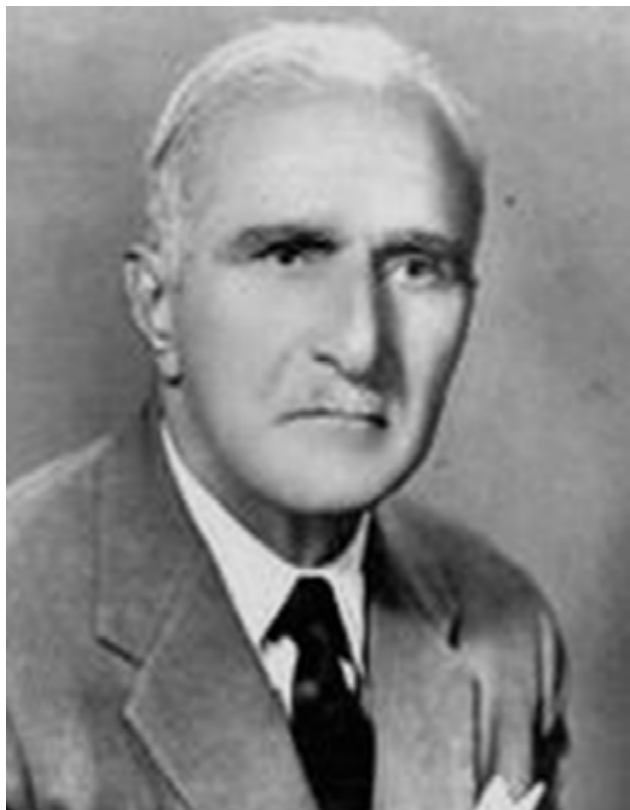


محوطه سازی، کارهای متفرقه مورد لزوم در داخل و خارج جهت استحکام هرچه بیشتر بنا و نصب دستگاه های لازم با تکنولوژی روز، تغییر نمای قبلی به نمای جدید که یادآور معماری غنی دوران هخامنشی است. لازم به توضیح است که با مدیریت و برنامه ریزی آقای آبادیان در طول هشت ماه بازسازی مرکز، هیچ وقفه ای در فعالیت های مرکز رخ نداد.

پرسیدم که انگیزه شما از این همه کار خیر و داد و دهش چیست؟
باید یاد آور شوم که من در خانواده ای

استاد استادان پورداود که به آرزویشی نرسید

دکتر علی اکبر چشتی



خوان "اشم وهو" گو "یتا اهو" گو "یتا اهو" خوان "اشم وهو"

و این هم آن برجسته ترین آرزوی زندگانی ایشان که نیافت که نیافت: خوشه ئی از راستی درودنم آرزو است گوئی از همکنان ربودنم آرزو است بسان ایرانیان زمان ساسانیان زند و اوستا بدست سرودنم آرزو است سپیده دم بیدرنگ روی باتشکده راه نیاکان خود نمودنم آرزو است بندی از بندگی بستن اندر میان جامه پاک رتن فرودنم آرزو است از سر پیمان مهر آذرافروختن تیرگی اهرمن زدودنم آرزو است خدای جان آفرین فرشتگان مهین پیمبر راستین ستودنم آرزو است همیشه پندار نیک همواره کردار نیک هر دم گفتار نیک شنودنم آرزو است ز نامه باستان دری ز مینو جهان بروی ایرانیان گشودنم آرزو است برلین ۲۷ مهرماه ۱۳۱۰ = ۲۰ اکتبر ۱۹۳۱ (۳۸ سال پیش از درگذشت). این آرزوی کشتی بستن و سدره پوشیدن و آتشکده رفتن و چون زرتشتی زیستن و دین بهی را آموختن را با خود برد. روانش شاد و شاد باد!

من، کمابیش هشتاد سال پیش، شاگردی دستور بزرگ و تا کنون پیماند دکتر مانکنجی دالا بودم و ده ها دوست و آشنای نوجوانان پارسی داشتم، از کتابهای استاد استادان آگاه شدم، آنهایی که در بمبئی چاپ شده بود، خریدم. باری امروز که خودم پژوهشگر و نویسنده و آموزگار شده ام و سالها با استاد استادان، تا یک هفته پیش از درگذشت ایشان در روز ۱۷ نوامبر ۱۹۶۸، دیدار و گفتگو داشتم، فراز میگویم که هیچ کسی را ندیده ام که مانند ایشان زبانی را برگردان یا ترجمه بکند و گزارشهای وابسته بسیار بلند و والا بکند، هیچ کسی را.

باری، اکنون بیاییم به آنکه من میخواهم پیشکش بکنم. نخست سرود "خوان اشم وهو، گو یتا اهو". این سرود با آهنگ ویژه اش در هر انجمن زرتشتی ایرانی نواخته و شنیده میشود، بویژه در انجمن زرتشتیان کالیفرنیا که یکی شنوندگان من میباشد. این را کمابیش هشتاد سال پیش خواندم و آهنگش را کمابیش پنجاه سال پیش در دانشگاه تهران شنیدم. اینک این سرود:

بامداد شد بانگ زد خروس از سرای شه برزدند کوس
چرخ شست نک روی آبنوس موبدا تو هم خیز روی شو
خوان "اشم وهو" گو "یتا اهو" گو "یتا اهو" خوان "اشم وهو"
خیز موبدا آتشی فروز پرده سیه ز این زمانه سوز
کیش باستان زنده دان هنوز ز ایزدی فروغ بر متاب روی
خوان "اشم وهو" گو "یتا اهو" گو "یتا اهو" خوان "اشم وهو"
از سر آمده دور روزگار دین فرهی مانده یادگار
نامه کهن ز آن خود شمار گفته نیا اندر آن بجو

فشرده زندگانی: ابراهیم پورداود فرزند بانوی آخوندزاده (نام برده نشده) و حاجی داود، بازگان برجسته، زادروز آدینه ۸ فوریه ۱۸۸۵ ترسای، زادگاه سبزه میدان، رشت، آموزشگاه رشت، ۲۰ ساله به تهران آمد تا پزشکی ایرانی بیاموزد، خوشش نیامد، در بیست و سه سالگی به بیروت رفت و زبان فرانسه آموخت و پس از دو سال و نیم به ایران برای بازدید خانواده بازگشت و سپس به فرانسه رفت و نخستین نامه ایرانشهر را در آوریل ۱۹۱۴ چاپ کرد و با چاپ چهارم آن، روز ۲۸ ژوئیه جنگ جهانی یکم آغاز گردید و او به بغداد رفت و در آنجا با چاپ بیست و پنج نامه رستاخیز تا مارس ۱۹۱۶ ماند و پس از آن به برلین رفت و تا ۱۹۲۴ ماند. آنجا بود که با ایران باستان و دین بهی زرتشتی آشنا شد. در برلین، در ۱۹۲۱ همسر آلمانی گرفت و در ۱۹۲۲ این دو تن دارای تنها فرزند، دختر پوراندخت شدند. در ۱۹۲۴ به تهران آمدند. او و خانواده در سال ۱۹۲۵ برای پژوهش در اوستا و چاپ کتابها به هند رفتند و دو سال و نیم در آنجا بودند. ناگفته نماند که استاد برای پژوهشهای خود در زمینه های اوستا و ایران باستان شناسی در آلمان و هند و ایران، از سوی رئیس کشور آلمان برجسته ترین ارمغان فرهنگی را در سال ۱۹۵۵ و بزودی ارمغان فرهنگی رابندرانات تاگور را از هند و نشانی از نماینده پاپ، پیشوای کاتولیکها در تهران در سال ۱۹۶۵ دریافت.

استاد بنیاد آموزش زبانهای کهن، بویژه اوستا را در تهران نهاد و در ۱۹۴۵ انجمن ایرانشناسی و سپس آموزشگاه ایرانشناسی را پدید آورد. کتابهای چاپ بمبئی، هند: ۱. گائاه، ۱۳۰۵ خورشیدی. ۲- گائاه، یاد داشتها (بخش یک) ۱۳۲۹ خورشیدی. ۳- یشتها (بخش یک) ۱۳۱۰. ۴- یشتها (بخش دو) ۱۳۱۰. ۵- خرده اوستا ۱۳۱۰ ۶- یسنا (بخش یک) ۱۳۱۲. ۷- ایرانشاه (داستان پناه گرفتن زرتشتیان

۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت فردوسی توسی چکامه‌سرای ملی و میهنی ایران زمین کرامتی باد سروده زیبا در پاسداشت روز فردوسی بزرگ از استاد هما لوزنگی:

بزرگا، سرم سوده بر خاک تو بر آن خوان گسترده ی پاک تو	هشیوار فردوسی پاک جان پژوهنده نامهی باستان	و یا گردیه بانوی نامدار خرد پیشه در کار و در کار زار	به چالش، هموارد شیر ژیان گشایندهی جادوی هفت خوان
تو دادار دانا و بخشنده‌ای به هر راز پنهان تو داننده‌ای	همان دانشی مرد فرخ نژاد بنای سخن را ز نو بر نهاد	به گفتار شیرین سخن ساز کرد به ساز سخن قصه آغاز کرد	که اهریمن و دیو و هم ازدها ز چنگال رستم نگشتی رها
تویی آنکه جان و روان آفرید زمین و بلند آسمان آفرید	چو بر رخس اندیشه‌ها تاختی درفش سخن را بر افراختی	زنان‌شان چون اینند ایرانیان چگونه‌اند مردان و جنگاوران	جهان آفرین تا جهان آفرید سواری چو رستم نیامد پدید
تن ناتوان را توان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید	نیشتی چو شهنامه‌ی شاهوار همان خسروان نامهی استوار	ز مردان گردنکش بی همال ز شمشیر و از گرز و کو پال و یال	الا ای حکیم بلند آستان که بر ما گشودی در با ستان
کنونم سخن باشد از مهتری که تاج سخن را بود گوهری	یکی گنج پر رنج آمد پدید که دیگر چنو در جهان کس ندید	ز تخت و ز تاج و ز گاه و کلاه ز رزم و ز بزم و بزرگی و جاه	ندانم که گویم سخن گفته‌ای که از گنج معنی تو در سفته‌ای
یکی گوهر شاهوار ثمین که باشد بر او تا ابد آفرین	بیاراست آن نامهی ایزدی بدین نغز گفتاره ی سر مدی	هم از آفریدون فرخنده جان ز دشمن شکن کاوه قهرمان	تو بر تاق گردون بلند اختری مهین بخردی پر بها گوهری
حکیم خردمند روشن روان همان پیر دهقان پاکبزه جان	به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد	از آن بر شده پرچم کاویان که بودی خود از چرم آهنگران	نمیری تو تا جاودان زنده‌ای که تخم سخن را پراکنده‌ای
که تخم سخن را پراکنده کرد زبان دری را ز نو زنده کرد	پس آنکه چنین گفت آن مرد راد که رحمت بر آن تربیت پاک باد	ز هوشنگ و جمشید و کاووسی ز بهرام و شاپور فرخنده پی	کنون با هزاران درود ، درود بخوانیم بر یاد تو این سرود
خداوند بخشنده‌ی چاره ساز حکیم خطاپوش داننده راز سر بسته گنج سخن برگشاد بدان دانشی مرد داننده داد	بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی	همه پهلوانان و نام آوران پیا کرده کاخی بلند آستان	چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
که گنجور باید که دانا بود به گنجوری خود توانا بود	زنان را به آزادی چون بدید کتایون و تهمینه، گرد آفرید	پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند	
	فرنگیس و رودابه‌ی خوب چهر دلیر و به آزر بر کیش مهر	هم او آفرید از یل سیستان بزرگی چنان رستم داستان	



معرفی اقامتگاه بومگردی وستا

آرزو بهرامی

اقامتگاه بومگردی وستا، اولین اقامتگاه بومگردی در شهرستان میبد می باشد که در یک روستای زرتشتی نشین (مزرعه کلانتر) واقع شده است. این اقامتگاه به دو بخش تقسیم می شود: بخش مرکزی شامل خانه قدیمی و نقلی که معمولاً جهت پذیرایی از مهمانها مورد استفاده قرار می گیرد. بخش دیگر دارای چهار اتاق بصورت کف خواب و سه اتاق سه تخته جهت اقامت مسافران می باشد. لازم به ذکر است این بخش دارای آشپزخانه و سرویس بهداشتی (ایرانی و فرنگی) و حمام بصورت مشترک می باشد. روستای مزرعه کلانتر یکی از نقاط تاریخی و ارزشمند استان یزد به شمار می آید و از روزگاران گذشته در مسیر راههای تجاری و ارتباطی قرار داشته و به همین جهت واجد ارزشهای تاریخی و گردشگری است. آب انبارهای قدیمی، آسیاب های آبی، قلعه روستا، آتشکده، گهنبار خانه پیرخرمن، پیر رفیع آباد و خواجه خضر و پیر وهمن امشاسپند و پیر مزرعه حاجی از جمله آثار تاریخی روستا می باشند. مسافران در این اقامتگاه سکوت و آرامش واقعی را در دل کویر تجربه می کنند و شبهای پرستاره کویر را به نظاره می نشینند.





گرفتید میندید، گهنبار و جشن ها را بیا میدارید و خلاصه اینکه سعی میکنید سنت های به جا مانده از اجدادتان را پاس بدارید و به نسل های بعدی منتقل کنید و این حیرت انگیز است. حال شما چه احساسی دارید؟ تاثیر میگیرید، حیرت میکنید، هردو یا هیچکدام؟ به هردسته تعلق دارید و به هر مرامی که پابندید همیشه این نکته را از "آلبرت انشتین" به یاد داشته باشید: به طرز وحشتناکی آشکار شده است که تکنولوژی ما از انسانیت ما فراتر رفته است. ایدون باد

مزارع میرفتند، کشاورزی میکردند و شاید در خانه شان تلفنی هم نداشتند ولی در دهه های اخیر با هواپیمای آخرین سیستم به خارج از کشور سفر میکنند و با تلفن همراه با نزدیکان خود در ایران صحبت میکنند. همه چیز در دنیای مدرن امروز ماشینی و تخصصی شده. برای ساخت هر چیز به ظاهر کوچک و ساده چندین قطعه وجود دارد که متخصصین برای ساخت آن شاید ساعت ها وقت گذاشته و میلیون ها دلار پول خرج کرده باشند. شما قبل از خواب تلفن همراه خود را چک میکنید و صبح بلافاصله بعد از بیداری اولین کار شما چک کردن دوباره آن است. شما تلفن همراه خود را بر سر سفره، سرکار، هنگام استراحت و حتی دست شویی هم میبرید و شاید بیشتر از آنکه با خانواده خود همراه باشید با تلفنتان همراه هستید!! و جالب اینکه برای کسی این کارها غیر عادی نیست چون که جزء جدانشدنی از زندگانی ما شده. حال هدف از این مقدمه چینی ذکر دو نکته است: یکی تاثیر انگیز و دیگری حیرت انگیز. نکته تاثیر انگیز اینکه با اینهمه پیشرفت و ترقی داشتن دنیای مدرن هنوز میلیون ها انسان در نقاط مختلف دنیا و به درجات متفاوت از داشتن حتی زندگی بسیار ساده محروم هستند چه برسد به داشتن زندگی تجملی. آنها در حالیکه از تکنولوژی اطلاعی ندارند به دنبال حق خورده شده خود میگردند و سعی در سیر کردن شکمشان دارند. در آماري نوشته شده بود که تنها ته مانده غذایی که در رستوران های لاس وگاس ماهیانه به دور ریخته میشود میتواند نصف مردم گرسنه دنیا را سیر کند و این تاثیر انگیز است. و اما نکته حیرت انگیز اینکه با وجود این همه تغییرات چشمگیر در علم و تکنولوژی هنوز بعضی چیزها تغییر نکرده، نمیکند و نخواهد کرد. شما هنوز سپاس خدای رامیگویید، اوستا میخوانید، سدره و کشتی را به همان روالی که از اجدادتان یاد

شاید شما هم متوجه تغییر و پیشرفت سریع علم و تکنولوژی در عصر حاضر شده باشید و اینکه ما در چه عصر عجیبی زندگی میکنیم. زندگی امروز ما با حذف تکنولوژی تقریباً امکان ناپذیر است در حالیکه پدران و مادران ما در پنجاه، شصت سال پیش طوری دیگری زندگی میکردند. دسترسی بلافاصله به هر نقطه دنیا و هرگونه اطلاعات در عرض چند ثانیه در چندین دهه پیش رویایی بیش نبود، در حالیکه امروز به برکت اینترنت این محال عملی شده. بودن در بیابانی تنها ولی قدرت این را داشتن که با تلفن همراه با دیگران در هر نقطه دنیا ارتباط تصویری و صوتی برقرار کردن کم از شعبده بازی نیست ولی حقیقت دارد. پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های ما به واسطه نشان زندگی جالب تری داشتند چون آنها نسلی هستند که در دو دوره کاملاً متفاوت زندگی کرده اند. در پنجاه سال پیش و در دهات یزد با قاطر به

بیایید نسبت به مرکز زرتشتیان در وست دیستریکتهای واشینگتن باشیم

دهشمندهانی که ۳۸ سال پیش برای این ساختمان دهش کردند یا دیگر در میان ما نیستند و یا با حقوق بازنشستگی مختصری زندگی می کنند. آنان این ساختمان را به نسل ما سپرده اند تا با همت خود درب این مرکز را برای همیشه باز نگاه داریم. پریچهر جهانیان

مرکز دهش کنید و یا به صندوق نیایشگاه بروید و دهشهای خود را به آن صندوق بریزید. متأسفم به شما بگویم که اگر نیازهای ساختمانی این مرکز برآورده نشود شاید در آینده ای نه چندان دور درب این مرکز برای همیشه بر روی همه بسته می شود.



این مطلب را می نویسم تا بدانید مرکز ما ساختمانی است با عمری ۳۸ ساله که احتیاج زیادی به نو سازی و تعمیرات دارد و از کسری بودجه بسیار زیادی در ماه برخوردار است. این محل خانه دوم ما زرتشتیان است و اگر از بین بروند جشنی نه گهنباری نه مراسمی نمی تواند انجام شود. متأسفانه در این سالهای اخیر بیشتر دهشها به گروه خاصی تعلق می گیرد و بنابراین دهشهای ما زرتشتیان به این مرکز بسیار کاهش یافته است و هر روز وضع این ساختمان بیشتر و بیشتر رو به وخامت میرود. اگر می خواهید دهش کنید لطفاً به همین

- شاهنامه خوانی با دکتر چاپچی ۱۰:۳۰ هر یکشنبه در میان در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار می شود.
- برندگان مسابقه مقاله نویسی با عنوان "آیا هرگز دروغگویی رواست" برگزیده شدند. جایگاه نخست: خانم آزاده هرمزبازی، جایگاه دوم: خانم فرناز بهدینان، جایگاه سوم: خانم ماترا رویتن. قابل تقدیر: خانم نازنین ایران زمینی.
- گروهی از هموندان در برنامه فاند ریزینگ آمریکا گات تلنت شرکت کردند.



- جوانان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نمایش زنان نامدار را در برنامه نوروزی موزه بورز اجرا کردند.
- سخنران شاهین نژاد در مورد تأثیرات ویرانگر قادیسیه بر زیست ایرانیان و شهرام آرین با عنوان: آیین زرتشت تنها پروژه ی موفق یکتاپرستی در تاریخ بشر در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.
- چهره نمای بهار ۱۳۷۵ زرتشتی به آدرس هموندان پست شد.
- به یاد دیدار پیر سبز هموندان از ۹ تا ۵ پسرین در پارک آلتادینا گرد هم آمدند. دهشمنی آش و سیروگ را دهش نمود.
- گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا مسابقه نقاشی نوروز به نام "نوروز را دوست دارم" را برای افراد ۶ تا ۱۸ سال برگزار نمود و به برندگان گیفت کارت هدیه داده شد. آتزا کسروی، آرویس پاکسرشت، کسانا شیدسوفیان، زینکا نیکفر، مسیح چاوشی، ویانا سلامتی برندگان این مسابقه بودند.
- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نمایش کمدمی بگو مگو را با بازیگری: علیرضا خسته و احسان کرمی از ۷ پسرین هشتم جون برگزار نمود.
- کمپ جوانان زرتشتی در سن حوزه برای سنین ۱۳-۱۷ از ۲۵-۲۷ جولای برگزار می شود.
- در روز انتخابات (۱۹ می) شمار همکیشان شرکت کننده برای گزیدمان (انتخابات) گروه مدیران گردش ۲۲ به اندازه نیم به افزای یک (۵۰+%) از هموندان مرکز نبود و انتخابات به دور دوم که (۲ جون) میباشد افتاد و در آن روز با هر تعداد انتخاب کننده، انتخاباب برگزار خواهد شد. هموندانی که می خواستند با پست رای دهند تا ۲۹ می رای خود را پس فرستادند.
- فیلمر هفت قسمتی زرتوشترا با باشندگی جمعی از زرتشتیان ایرانی و پارسی و با سخنران مهمانان



قبل از آغاز فیلم در سینمای فریدا به مدت هفت روز به نمایش گذاشته شد.
شرایط انتخاب کنندگان
دست کم سه ماه پیش از روز گزینش هموند مرکز بودن-
رای دادن حضوری و یا از طریق پست-
داشتن دست کم ۱۸ سال
ساسان سروشی، اردشیر جمشیدی، بهرام گشتاسی، مهناز دینیاری، ماندانا پیشدادی، جمشید جمشیدی، عادلہ آلبا، شهزاد دهموید، شهرام پوراسفندیاری، اردشیر بهدینان نامزدهای این دوره از گروه مدیران هستند.
بشود که در سایه همراندیشی، همیاری و دوستی جهان بهتری برای بهره برداری خویش و فرزندان خود پایه ریزی نمایند

پرسه

آیین پرسه روانشاد کیخسرو باغخانیان روز یکشنبه ۱۷ مارچ در سالن مروارید گیو مرکز برگزار شد.
آیین پرسه روانشاد ارسطو کسروی روز شنبه ۱۱ می در سالن مروارید گیو مرکز برگزار شد.



- گروه زنهارداران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در نشست همگانی هموندان که در روز یکشنبه ۱۰ فوریه ۲۰۱۹ از ۵-۲ پسرین در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در وست مینستر برگزار شد گزارش مالی سال ۲۰۱۸ داده شد. همچنین در این گردهمایی گروه نگارش بر گزیدمان گروه مدیران مرکز برگزیده شدند.
شهریار افشاری، شهرزاد اش، میترا دینیاری، جهانگیر گشتاسی، فریبا پیرغیبی گروه نگارش بر گزیدمان (انتخابات) گروه مدیران گردش ۲۲ بودند.
- گهنبار چهره میدیامر گاه که جشن میان زمستان است به گونه همگانی ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۶ ژانویه ۲۰۱۹ در مرکز برگزار شد. هزینه گهنبار را بانو مینا یزدانی بیوکی به نامگانه همسرشان روانشاد ایرج منوچهر نمایران دهش نمودند.
- سخنران دکتر اردشیر انوشیروانی در مورد خانواده و آموزش و پرورش کودکان ۱۱ بامداد هر یکشنبه درمیان در سالن مروارید گیو مرکز برگزار شد.
- همکیشانی که امسال درگذشته ای داشتند آیین یادبود روز یکم سال نو را در روز پنج شنبه یکم فروردین (یکم مارچ) از ۶ تا ۹ شب بگونه ی همگانی در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار کردند.
- گروه جشنها برای نخستین بار جشن چهارشنبه سوری را ۳۰:۶ پسرین سه شنبه ۱۹ مارچ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا اوریج کانتی با برنامه های شاد و به یاد ماندنی و رقص و پایکوبی برگزار نمود و با چای و شیرینی و آجیل از مهمانان پذیرایی شد.
- با دهش تراست مروارید گیو، سالنمای ۳۷۵۷ زرتشتی برای هموندان فرستاده شد.



- هموندان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا هموندی خود را با پر کردن پرسشنامه از راه کامپیوتر یا با تماس گرفتن با دفتر مرکز زرتشتیان انجام دادند.
- جشن نوروز و زادروز اشوزرتشت روز شنبه ۲۳ مارچ با برنامه های شاد و برگزاری آیین های زیبای نوروزی مانند سفره هفت سین و آیینه و گلاب و عمو نوروز و عیدی و با شرکت شمار زیادی از دوستان در مرکز برگزار شد. نویسنده کتاب داستان افسانه ی پریدون، خانم کاترین لینکا در آنروز کتاب خود را معرفی کردند. پریدون، داستان افسانه ای یک پسر زرتشتی است که انتخابات بد او در شب جشن مهرگان باعث خشم مردم روستای او می شود...
- گهنبار چهره همس پت میدیمر گاه از ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۱۷ مارچ ۲۰۱۹ در مرکز برگزار شد. هزینه این گهنبار را بانو سیمیندخت اهورایی و فرزندان به نامگانه روانشاد دکتر فریدون خسروی دهش نمودند.
- برنامه گروه رقص نو نهالان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در فستیوال نوروزی موزه بورز برگزار شد.
- گهنبار چهره میدیوزرمر گاه از ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۵ می در مرکز برگزار شد. هزینه گهنبار را خانواده کدبان مهران یادگاری و بانو سیما سلامتی یادگاری به نامگانه روانشاد دکتر بهرام یادگاری و بانو آدخت پریان دهش نمودند.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا درگذشت موید موبدان دستور بزرگ هازمان زرتشتیان هند کیخسرو دستور منوچهر جاماسپ آسا در لندن را آرامش باد می گوید.
درگذشت این روانشادان را آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یادان و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

آگهی

گروه هنرمکز زرتشتیان کالیفرنیا کلاس های زومبا، هیپ هاپ و رقص ایرانی و مدرن را ادامه می دهد برای نام نویسی به مرکز زنگ بزنید.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا میزبان هفتمین کنگره جهانی جوانان زرتشتی که از اول تا ششم جولای ۲۰۱۹ در لس آنجلس برگزار می شود خواهد بود. برگزار کنندگان کنگره جوانان زرتشتی به یاری شما در قسمت های تدارکات، برنامه ریزی برای برنامه های اصلی و جانبی کنگره نیاز دارند.

گروه هنر کلاسهای آموزش موسیقی پیانو، تار، دف، تمبک را برگزار می نماید.

از همه همکیشان درخواست می نمایم که هموندی خود را با پر کردن پرسشنامه از راه کامپیوتر و یا تماس با دفتر مرکز زرتشتیان انجام دهند.

به آگاهی می رسانیم که یارانه درمانی روانشاد دکتر مهشید اردشیری برای یاری رسانی به بیماران می باشد و از این فاند ۲۵۰۰ دلار به یک همکیش زرتشتی و ۷۲۷ دلار به یک همکیش پارسی دهش شد. برای یاری رسانی و یا دریافت کمک از این فاند به مرکز زنگ بزنید.

بانو فرشته یزدانی خطیبی به یادبود ششمین سالگرد درگذشت همسرشان شادروان دکتر هوشنگ خطیبی به همراه فرزندان و برادرشان کدبان شاهرارم یزدانی بیوی ۱۵۰۰۰ دلار یارانه آموزشی (سکالرشپ) را به ۱۵ دانشجوی زرتشتی می پردازند. درخواست نامه و دیگر مدارک تنها از راه ایمیل پذیرفته خواهد شد. واپسین هنگام برای درخواست این یارانه سی و یکم جولای ۲۰۱۹ می باشد. اوستا خوانی

بانو ونوس ویژه کشورستانی ۱۳۴ دلار اوستا خوانی برای روانشادان سرور صفاهانی زاده، زربانو جهانبخشی

بانو شیرین همای ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد مهربان همای

آقای هومن کامیار ۱۵۳ دلار اوستا خوانی برای روانشاد رستم غیبی

آقای بیژن شایسته ۵۰ دلار اوستاخوانی برای روانشاد لهراسب اسفندیار شایسته

بانو مهرانگیز جم زاده ۵۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد خدایار رستم خسروی

آقای رستم قه پره کرمانی ۱۰۱ دلار اوستاخوانی برای روانشاد سرور شهریاری

آقای شاپور اردشیری ۷۰ دلار اوستاخوانی برای روانشاد بیژن آذرباد مزدایی

بانو شیرین سپهری ۱۰۱ دلار اوستاخوانی برای روانشاد دکتر مهربان سپهری

بانو ژاله یلزاده ۱۰۱ دلار اوستاخوانی برای روانشاد کیخسرو یلزاده

آقای هوشنگ پور بمانی ۱۰۱ دلار اوستاخوانی برای روانشاد بانو رستم کیان چمر

دهشمدان

بانو ترانه آریانی غیبی ۲۰۰ دلار برای بازسازی نیایشگاه

آقای ارژنگ باغخانیان ۱۰۰۰ دلار به نامگانه روانشادان کیخسرو باغخانیان واختر بمی

آقای پرویز اردشیر پور ۱۰۱ دلار برای نیایشگاه

خیراندیش ۱۲۵۰ دلار

آقای کامران مرزبانی ۴۰۴ دلار

بانو اختر شجاع زادگان ۲۰۰ دلار

بانو بهناز شهزادی ۱۰۱ دلار

بانو پوران کمدر ۲۵۰ دلار

بانو پریدخت کامیار ۱۰۲ دلار

بانو گوهر بهدادنیا ۱۲۰ دلار

آقای کاوه تهرانی ۲۰۰ دلار

آقای افشین حنای ۱۵۰۰ دلار

آقای پرویز منوچهری ۲۰۲ دلار

آقای فیروز فلفلی ۱۰۱ دلار

آقای کاظم شیرازی ۵۰۰ دلار

بانومهرتاج ماوندادی به نامگانه روانشاد ایرج ماوندادی ۱۰۰۰ دلار برای کتابخانه

آقای پرویز منوچهری یک دستگاه ای پد

بانو هما مال گنجی ۱۰۱ دلار

آقای شاپور و بانومهرناز گیو ۲۰۰ دلار برای کمک به نیازمندان و گهنبار

خیراندیش ۱۰۱ دلار

بانو ایراندخت جهانیان ۳۳۳ دلار به نامگانه روانشادان فردمس اردشیر و سرور جهانیان

آقای سهراب شهریاری مبارکه ۲۵۰ دلار

کازگو ۵۰۰ دلار

آقای فرید چکانی ۵۰ دلار

بانو آرتیمیس جوانشیر ۱۵۰ دلار

آقای کامبیز فولادیان ۱۰۰ دلار

گهنبار

اسامی افرادی که از تاریخ ۱۶/۲۰۱۹ تا ۵/۵/۲۰۱۹ (سه چهره گهنبار) که بیش از ۵۰ دلاردهش نموده اند هزینه گهنبار میدیامر گاه را خانم مینا یزدانی بیوی بنامگانه همسرشان روانشاد ایرج منوچهر نمیرانیان دهش نموده اند.

خانم سیمین اهورایی و فرزندان هزینه گهنبار همس پت میدیمر گاه را بنامگانه همسرشان روانشاد دکتر فریدون خسروی دهش نموده اند.

هزینه گهنبار میدیوزرم گاه را آقای مهران یادگاری و خانم سیما سلامتی یادگاری و خانواده به نامگانه روانشادان دکتر بهرام یادگاری و بانو آدخت پریان دهش کرده اند.

خانم پروین و آقای کامبیز بهدینان کمک غیر نقدی

آقای رستم شیرمردیان بنامگانه روانشادان مروارید جمشیدپور و رشید شیرمردیان ۵۰۰ دلار

آقای سهراب رستمیان بنامگانه مادرشان روانشاد فیروزه رستم سلی ۳۰۰ دلار

آقای سهراب رستمیان بنامگانه مادرینزگها و پدر بزرگهایشان روانشادان جهانگیر ، شیرین، رستم و کنایون ۳۰۰ دلار

خانم مهتاب و آقای اشکان ذهبی بنامگانه روانشاد البرز کاموسی شریف آباد ۲۵۰ دلار

خانم مهتاب و آقای اشکان ذهبی بنامگانه روانشاد خسرو ذهبی ۲۵۰ دلار

خانم پروانه نوش و آقای ارژنگ رشیدی بنامگانه روانشاد آرش کیخسرو جاماسب نژاد کمک غیر نقدی

خانم فرین و آقای روزبه کسروی کمک غیر نقدی

اسامی افرادی که ۱۰۱ دلاردهش نموده اند

خانم فرنگیس جم زاده بنامگانه روانشادخدایار رستم خسروی

خانم گیتا جمشیدی بنامگانه روانشاد دکتر رستم جمشیدیان

خانم بهناز شهزادی بنامگانه روانشاد موید شاه بهرام شهزادی

خانم پریچهر و آقای رستم سلامت سرده

خانم مهین بهمردی و آقای ایرج سلامتی

خانم پریچهر نامدار (فریدونی) بنامگانه همسرشان روانشاد بهرام فریدونی و پدر و مادر شان روانشادان کیخسرو مامدار و سیمیندخت زارع

خانم پروین اشیدری بنامگانه همسرشان روانشاد خداحرم استاد و فرزندان روانشاد اردشیر خداحرم استاد

خانم دلارام مهر رستمی بنامگانه روانشاد سیمین شه بندری و بانو یزدان پرست

خانم ایراندخت جهانیان

خانم پروین و آقای گشتاسب دشتی

خانم ایراندخت جهانیان بنامگانه جاری شان روانشاد پریچهر فرین (سروشیان) همسر دکتر ایرج سروشیان

اسامی افرادی که ۱۰۰ دلاردهش نموده اند

خانم گوهرناز و آقای هوشنگ باستانی

بانو خانم شهزادی

خانم کنایون نجمی بنامگانه روانشاد منوچهر فرودی قاسم آبادی

خانم آرزو و آقای اشکان کسروی

خانم آناهیتا ماندگاریان بنامگانه پدرشان روانشاد مهربان جمشیدماندگاریان

خانم مهرک و آقای پیمان خدادادی بنامگانه روانشاد فیروزه بهرام جمشیدی

خانم نازنین و آقای بابک فارسی نژاد به نیت سلامتی دخترشان

خانم شیرین و آقای رشید بیابانی

خانم شکوفه و آقای اردشیر مهرشاهی بنامگانه روانشاد شهریار اردشیر مهرشاهی

خانم نگین اجباری بنامگانه روانشاد داریوش اجباری

خانواده کیان پور بنامگانه روانشاد بهمن مهربان کیان پور

آقای گیو باستانی نژاد بنامگانه پدر و برادرشان روانشادان کیخسرو و اردشیر باستانی نژاد

آقای بابک خدادادی بنامگانه پدر و مادرشان روانشادان هرمزدیار جهان بخش خدادادی و فرخنده

رستم خدادادی

آقای شهروز اش برای سلامتی جامعه زرتشتی

خانم شیرین فلفلی بنامگانه روانشاد جمشید رستم دهموید نصر آبادی

بنامگانه بمان فرازمهر (فلفلی) ۸۰ دلار

خانم شهرزاد و آقای کوروش رتشتاری ۶۰ دلار

خانم مروارید استقامت بنامگانه همسرشان روانشاد سهراب دارای ۵۵ دلار

اسامی افرادی که ۵۱ دلار دهش نموده اند

خانم هما پاک سرشت بنامگانه روانشاد خسرو خدامراد فلفلی

آقای کوروش ایران زمین برای سلامتی خانواده

آقای مهران مهرفر

خانم سیمیندخت خرمشاهی برای تندرستی فرزندان

خانم هما پاک سرشت بنامگانه روانشادان سرور فریدونی و اردشیر پاک سرشت

آقای کیخسرو کاووسی بنامگانه پدرشان روانشاد خدابخش کاووسی شریف آباد و مادرشان روانشاد

دولت سلی

خانم هما پاک سرشت بنامگانه روانشادان سرور نوشیروانی و خدامرادبهمن

اسامی افرادی که ۵۰ دلار دهش نموده اند

آقای داریوش گزگینی بنامگانه خواهرشان روانشاد کتابون گزگینی

خانواده اردشیر دمهری بنامگان روانشاد اردشیرخداداد دمهری

بنامگانه روانشاد ایراندخت انوشیروانی

مهریان دمهری

خیر اندیشانی که مایل نبودند اسامی آنها به آگاهی برسد سه نفر بودند که جمعا ۳۴۰ دلار دهش نموده اند.

آقایان رستم کسروی، اردشیر مهرشاهی، شادفریاد سرشت و کوروش فروزش در کارهای ساختمانی و تعمیرات مرکز کمک های بسیاری نموده اند.

در پایان برای تمامی افرادی که چه از نظر مالی، چه فعالیتهای داوطلبانه و بدون درخواست هیچ توقعی به برگزاری گهنگار ها کمک نموده اند آرزوی سلامتی، شادکامی و پیروزی روز افزون داریم.

خبرهای لس آنجلس

دهشمندهانی که به انجمن زرتشتیان لس آنجلس دهش نمودند

گیتی و فریدون خدیو پاریس ۵۰۰۰ دلار

آرشیا و شنایا پوردهقان ۲۰۰ دلار برای گهنگار

آرمیتا و پرویز دانش ۴۰۰ دلار برای گهنگار بنامگانه سال سی ام

روانشاد شهریار دانش

خیر اندیش ۱۰۰ دلار برای گهنگار

خیراندیش ۳۰۰ دلار

خیر اندیش ۱۰۰ دلار

اخبار لس آنجلس

نخستین مسابقه مقاله نویسی در مورد آیین و اندیشه های زرتشت با پشتیبانی مرکز لس آنجلس برگزار گردید و به چهار مقاله برتر جوایز نقدی تقدیم شد و هم اکنون دوره دوم این مسابقه برنامه ریزی شده و به آگاهی همگان رسیده است.

پرسه

پرسه روانشاد پرویز کیومرثی روز شنبه ۲۳ فوریه در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

پرسه روانشاد پرویش فولادپور (سروش) روز شنبه ۲ مارس در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

سال روانشاد پردیخت ورجاوند روز شنبه ۱۱ می در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

به یاری اهورامزدا

ایران زمین یکی دیگر از شیفتگان و پژوهشگران دلباخته خود را از دست داد، مهندس امینی سام که سالها در راه شناساندن فرهنگ و تاریخ ایران به روشها مصور و نوشتن کتابهای سودمند کوشیده بود، در تاریخ ۱۰ مارچ ۲۰۱۹

در گذشتند، یکی از آخرین کارهای ایشان طراحی مجسمه کورش کبیر میباشد،

اخبار گروه آموزش مرکز زرتشتیان لس آنجلس

جشن پایان سال کلاس های فارسی و دینی به کوشش گروه فرهنگی در مرکز زرتشتیان لس آنجلس در تاریخ ۱۹ می ۲۰۱۹ برگزار گردید و پس از آن با هزینه مرکز زرتشتیان لس آنجلس کودکان و نوجوانان به همراه خانواده های خود روز شاد و پر خاطره ای را در مرکز تفریحی اسکای های داشتند.

با کوشش هیات مدیره مرکز زرتشتیان لس آنجلس و دهش خیر اندیشان، دیوار جداساز برای ایجاد کلاسهای بیشتر دینی و فارسی تهیه گردید که سپاسگزاری خود را اعلام می داریم.

از هم اکنون گروه فرهنگی و فراگیری مرکز زرتشتیان لس آنجلس با همیاری یکدیگر در حال برنامه ریزی برای سال جدید آموزشی هستند.

به منظور افزایش آگاهی در مورد دین زرتشت و دیگر ادیان و باورها گروه فراگیری مرکز زرتشتیان لس آنجلس به همراه کلیسای انسینو و مرکز گیلپورد در تاریخ ۷ جولای گردهمایی را در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار خواهند کرد. برگزاری این برنامه پس از آن میسر شد که گروه فراگیری مرکز زرتشتیان لس آنجلس با همیاری آقای مانوک بودجوالا با گروه تقریب مذاهب آشنا شد و در برنامه های قبل این گروه شرکت کنندگان نوجوان زرتشتی از جمله یکتا هرمزدیاری با حضور درخشان خود آگاهی رسانی خوبی را از دین زرتشتی به دیگر شرکت کنندگان ادیان دیگر داشته اند.

- گروه فراگیری مرکز زرتشتیان لس آنجلس در نظر دارد با توجه به استقبال و موفقیت آمیز بودن اردوی یک روزه سال پیش، کمپ تابستانی برای نوجوانان برگزار کند که اطلاعات بیشتر را به زودی به آگاهی می رسانیم.

- کلاس های آموزش دین دبیره و آشنایی با گاتها که بیش از یک سال از شروع آن می گذرد و همچنان با استقبال فراوانی روبرو است همچنان به صورت ماهانه و روز های یکشنبه به کار خود ادامه می دهد. در این کلاسها باشندگان با خط دین دبیره آشنا می شوند و توانایی خواندن سرودهای گات ها را با آوای درست فرا می گیرند و در ادامه ی کلاس باشندگان به بررسی بندهای گات ها می پردازند و کاربری اندیشه های اشوزرتشت را در دنیای امروزه به چالش می کشند و شایان ذکر است که این کلاسها با سرپرستی گروه فراگیری مرکز زرتشتیان لس آنجلس و همیاری دکتر نوشین جهانگیری برگزار می گردد.



R



CREDIT REPAIR DEBT SETTLEMENT

Late payment | Collection
Charge off | Bankruptcy
Foreclosure | Chexsystem
Judgment | Tax lien
Repossession | Inquiries



800-790-4240



تنها نام شن

WWW.ENRICHFIN.COM

California Zoroastriann Center
8952Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center



WWW.czcjournal.org
Issue No. 190
July 2019

Editor's note :

As Zoroastrianism goes immigration has historically saved us from near extinction. If some Zoroastrians had not fled their Iranian homeland to India where would we be today? In the recent decades more immigration of Zoroastrian minorities has followed to the North American continent and elsewhere in the world. Immigration may have saved our population but what about the culture? It has definitely created a divide there. The divide nourished by the fear of first generation immigrant parents, concerned for their kids to lose their identity, desperately insisting their kids must follow the same practices they had at home. That may not sound divisive, but add the element of Iranian vs. Parsi. Now you have a first generation that is in conflict of their religious practices, language and food and a second generation who is confused as to how can we be so different if we have the same religion?

My personal immigration experience is one of a wakeup call. I grew up in Iran and graduated from Avesta classes after religiously attending for years. I was convinced I knew everything about my religion until I arrived in the U.S. and got my hands on an English translation of the Gathas. I had a whole new understanding and respect for Zarathushtra's timeless words of wisdom. I now understood the simple and beautiful message of the Gathas beyond years of repetitive prayers and the passed on superstitions which I thought were the essence of our religion. To me Gathas is the indestructible core and everything else (traditions and rituals) are the decorations.

Decorations can be beautiful as long as they are understood to be that. If we all understand and accept that our core is the same then we may have a chance. Then there is no divide and how you practice and where you immigrate has no bearing on who you are and you will never worry about losing this beautiful identity.

Our guest editor "Artemis Javanshir" has reached out to a diverse demographic of writers for their thoughts on this important subject and we are thankful for her passion and her invited writers' participation in this issue.

**Ushka,
Fariha**

As we celebrate graduations of loved ones in 2019 if you wish to share your own or your family member's acceptance or graduation from a university please email their name, university's name, and field of study to cninfo@czcjournal.org before August 10, 2019. It will be published in our fall issue

Graphic Designer

Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * E-mailer Design or Banner Design

Email: kevinyektahi@gmail.com
Tel: 949 2787675



California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminister, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehretnama

Thank you

CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :

Kevin Yektahi

Internet :

Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehretnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

Essay Contest for Ages 11-14

Topic: In your opinion what are the qualities of a good leader? Compare it to what the Gathas teach us about being a good leader?

Maximum of 900 words

First Place: \$300

Second Place: \$200

Third Place: \$100

AND

Short Story Contest for Ages: 13-18

“Write a story in which a Zoroastrian relies upon the teachings of the faith to help them resolve a challenging situation or achieve a goal.”

Maximum of 2500-3000 words

First place winner: \$200

Second place winner: \$100

Third place winner: \$50

Submit to: czc.org/essay-contest or zessayentry@yahoo.com

for details Contact: zessayentry@yahoo.com

ChehreNama is pleased to introduce Artemis Javanshir as our guest editor for this issue of the journal with her theme “Immigration and Its Effects on Zoroastrian Faith and Community”. The guest editor and their invited writers will produce two or more articles focused on a topic of importance in the context of the 21st century and present the Zoroastrian perspective on it.

Since about 60,000 years ago, millennia after the appearance of the first Homo-sapiens, we have witnessed a migration out of Africa to the most remote parts of the Earth. Our closest ancestors, some millennium ago settled in Middle East, Central Asia, later India and today all over the world. Immigration is a natural phenomenon. The living world is in constant migration. The air we breathe and the water in oceans, seas, and rivers migrate from one location to another. Through immigration, humans take their beliefs, culture, traditions, and thoughts with them. As an influx of Zoroastrian immigrants out of Iran and India, we effect the new locations with what we bring with us and the new locations affect us with what they have to offer. The way we dress, the foods we eat, the language of the future generation, and even our traditions and thought process can change and influence others and be influenced. I can't help but wonder what made our ancestors long ago in Iran and India keep the core of their faith under such extreme pressures. The following articles are written by an amazing group of Zoroastrian immigrants from different backgrounds and in different stages of their lives, addressing the issues we are facing today. These articles will help bring light into the effects of immigration on Zoroastrian faith and community.

Immigration and Its Effects on Zoroastrian Faith and Community

Fardin Hemmati Golsefidi

Abstract

Immigration whether in its historical context or modern approach, as a multi-dimension social phenomenon has been driven studies on Zoroastrians. From the sociology point of view, religion as a mediator between immigrants and destination society, signifies the

controversial aspects of immigration trends as it is exacerbated in recent world. Today, it is accepted that immigration has many effects on faith, beliefs, culture, values, traditions & norms of immigrants, however the quality of changes depends on different variables, internal and external I would say. Many studies suggested that changes in faith is the last to happened, other researches argued that culture, values, traditions and norms are more vulnerable during immigration process. This paper attempts to scrutinize “Immigration and its effects on Zoroastrian community” and author maintain this claim that despite of many challenges and threats, immigration has also provided some new opportunities for Zoroastrian community. Sociology of immigration and personal experiences, perceptions and interaction with Iranian Zoroastrian community are the main sources author obtained his perceptions in this study.

Keywords: Zoroastrianism, Immigration, Faith & religion, Threats & Opportunities

Introduction

Immigration, a well-known deep-rooted phenomenon scattered Zoroastrians across the globe, has always been the core of Zoroastrianism development, implicate the challenges which have been impose to the community with different effects, not really on their faith but with considerable result on their traditions, norms and somehow on their values in some cases. As a social concept, immigration should be considered from different aspect for a better perception of its effects on immigrant community. Perhaps, use of “Threats” would be a good suggestion to understand how immigration process could have effects on faith and religious belief of Zoroastrians? How serious these

threats are and what dimension they have? However, author maintains his claim that immigration could also provide some new opportunities for the community.

Post immigration faith and religious participation

In general, immigrant's faith and religion in post immigration era depends on many variables. Some studies suggest that keeping faith after immigration depends on factors like reasons behind immigration (religious, political, cultural or economic factors i.e.), hosting society and its view on religion, religion diversity, existence or availability of congregation groups in destination place and quality of availability; on the other hand some studies argued that dependent variable like propensity to participate religiously or how religious the person is, plays a pivotal role on faith and religious participation after immigration.

Threats Ahead

Assimilation

Keeping in mind above mentioned variables, hosting society or place of destination seems to be a very effective factor on faith and religious belief. Assimilation (cultural or religious) in my view is the most important threat for immigrants, however it should be considered as a multi dimension issue. Depending on how condition of immigrant(s) is/are in the destination place, assimilation could happened quickly in full scale or it can take over generations and gradually. Economic, political, social and cultural opportunities plus how equally they are offered or available in hosting society for minorities (religious in our case i.e.), has crucial role on their faith to be loyal or to be abandoned. Marriage outside community with different religion could accelerate assimilation process and it could be more difficult to keep children faithful and loyal to Zoroastrianism.

Enculturation

If assimilation takes longer to happen, enculturation could be considered as an immediate process after immigration. It would also depend on how rich the origin culture of immigrant is and how dominate hosting society's culture is. In addition, internal factor of immigrant's origin culture like how enriched is, how strong elements it has, or what depth and historical background it possessed, could prevent enculturation or at least postpone it. For instance, a strong cultural event like celebration of Persian New Year (Nurooz), Chaharshanbe Soori, Jashne Sadeh and Mehregan; are powerful barriers against enculturation or practicing non-origin events like Christmas and New Year seriously could exacerbate enculturation process.



Multiculturalism and its double edges

Multiculturalism refers to numerous distinct ethnic or cultural groups have the right to practice their religion and maintain their faith. Though minorities like Zoroastrians can enjoy this guaranteed freedoms, however cultural pluralism in some cases endangers subcultures by imposing the dominant culture though losing, changing or affecting their values, traditions or norms. As a personal experience, I remember an Indian Parsi Mobed in a Sedreh Pooshi celebration in California; has been talking about Buddhism and Buddha while he was trying to talk about Zoroastrianism and Zartosht's message; instinctively I say. It means it is possible to be affected by current culture indirectly.

Marginalization

Existence of the above threats doesn't mean isolation from the hosting society. Being stubborn to stay on their own values or norms and lack of flexibility could marginalized immigrants led to isolation. Keeping principles and practicing their own religion, as part of a greater community and actively participating in the society, would help toleration degree of hosting society to accept this unwanted guest.

Opportunities

A personal survey clarified that many people hardly ever heard about Zoroastrians and their faith. It highlights the significance of interaction and the need to get more involved in introducing the Zoroastrian community to the society and to be recognized through sociology point of view. In addition, if it is believed that a Zoroastrian should make this world a better place to live, then, to send the message of Zoroastrianism through religious point of view. By having most universal principles (emphasizing on Knowledge, Science, Righteousness, Rationality, and many other) in their faith, Zoroastrians should take advantage of this opportunity through freedom of religion, freedom of speech, mass and social media infrastructures and communication facilities.

For instance: Morgan Freeman in his "Story of God" series, had the best feedback on religions after he visited fire temple in California and discussed about Zoroastrianism. Incidences like this could bring a huge potential to take advantage of.

Religion's Dialogues & Interaction

Religion's dialogues have always driven a global debate between major religions which is getting more attention as global questioning on religion is raised in this modern age. With its most peaceful, rational, ethical, scientific and modern principles, Zoroastrianism can play a mediator role in religion's dialogue. By these remarkable principles, Zoroastrianism has a huge potential to be a vanguard of mediation between science and faith.

Get in touch to get accepted

From sociology point of view, variables like religion, language, culture, values and norms, have determinative role for immigrants to get accepted or recognized by destination society. As previously discussed, if immigrants deny getting involved with destination society, then new host might gradually develop concern on these gate crashers. So, it is suggested that immigrants should introduce admissible face of their culture and religion to prove that they are not a threat for their host, Zoroastrianism in our case. Result? It improves acceptance and toleration level of hosting society by giving it a right perception.

Religion is considered a very important mediator between immigrants and hosting society, especially if the immigrants have the same religion as that society. Otherwise, society might have concerns about the religion of these gate crasher. Thus, getting in touch with hosting society is necessary for: first of all, to introduce admissible face of immigrants religion to prove that their religious faith is not a threat to dominant religion of the society; second it could help the society to have better understanding and judgement on this new religion, Zoroastrianism in our case. Result? It improves acceptance and toleration level of hosting society by giving it a right understanding.

Consolidate Identification & Recognition

In general, identity crisis is one of the effects of immigration process on immigrants which depend on: how destination society recognizes immigrants from one hand, and how immigrants define themselves in the hosting society. However, recognition as a main concern through sociology and psychological approach is also affected by how the immigrants present themselves in the new society, I believe. Parsi community in India is a good example of how a Zoroastrian community possessed a top position in that

destination society after immigration by a proper definition and appropriate presentation of itself in a hosting society.

Conclusion:

Learning from multiple experiences in its history, Zoroastrians face new challenges in modern world, as immigration is getting more complicated under new developments in culture, social concepts, political condition and socio-economy complexities of recent era. It is obvious that Immigration has left more effects on Zoroastrians population (I maintain), to sum up its effects on faith lay on: personal propensity, religion position in hosting society (like how religion is supported by society and how religion freedom is guaranteed by its government), availability of congregation, groups of coreligionist (even small size), events, common celebrating & gathering events, inter-network connections between community members and finally how they identify themselves in new destination, are variables which could perpetuate or perish the faith of immigrants, Zoroastrians in our case. Hence, despite of some threats which have been pointed out in the paper, based on historical evidences and other theoretical data, it seems immigration had more tangible effects on population not on the faith of Zoroastrians. Parsi's community in India and other Zoroastrians communities across the globe, endorse this claim of author, keeping eyes on the community's developments, more researches and field studies are suggested.

References have been removed by the publication and are available upon request



Fardin Hemmati Golsefidi reside in Los Angeles, was born and raised in Esfahan, Iran. He obtained Bachelor and Master in International Relations in Esfahan and studied Ph.D. of International Relations: Regional & Security Studies in Centre for Central Eurasian Studies, University of Mumbai, India. He has couple of Publications & Presentations in domestic and international conferences on regional and security studies in Iran and India and has teaching experience in two Universities in Iran. His Area of interest is: International Relations, Regional and Security Studies, International Politics, Middle East Studies, Eurasian Studies along with his personal passion on Iran history & culture. He is freelance researcher now & researching on Ancient Iran's state and Government.

Immigration and its Effect on Zoroastrian Faith and Community

Keshvar Buhariwalla

I am a Zoroastrian, born an Indian citizen and today a naturalized US citizen. I have immigrated to not one but two countries. My name is Keshvar Buhariwalla and like many, my family has a unique story about what brought us to the United States of America. Although we are from Bombay, India, my family arrived on US soil due to the turmoil in Tehran, Iran. My parents Adi and Arnavaz Vakharia, in their words, “enjoyed some of the best years of our life” in Tehran. From 1973 to 1980, my twin sister, Cainaz, and I grew up in Tehran. We have our own memories of our life in a beautiful country, with skiing holidays and parties galore! Even though we left at the young age of seven, the experiences of our younger years remain with us and have molded us to a large extent. Arriving in New Orleans, Louisiana in 1980, the first and lasting friendships were forged with the local Parsee families, though small in number. One of the most tangible effects of immigration is the tight knit nature of the Zoroastrian Community.

Being away from our respective homelands results in many of us being more dedicated to our faith and community to keep our practices alive. In our household, wearing our Sudreh and Kusti was just expected. I don’t remember any major discussion around this practice, even though changing into our PE clothes at school became a challenge as we entered middle school. Yet, we followed this practice without question. Memories of my grandparents waking at 5:00 am every morning and praying for two hours were constant reminders of how important this custom was in our family. As a result, prayers were always a central part of our upbringing, not by words but instead the actions we witnessed from our parents, aunts, uncles, and grandparents who surrounded us throughout our youth. It remains to be seen if this custom continues into the next generation, when my kids today are asking, “Why must I wear this cloth when I need to be wearing a dry-fit shirt to band practice?”

The journey to establish a home in another country was not mine to make, my parents made it for me and now my family calls Texas home. For me personally, safeguarding my Zoroastrian identity has taken on greater importance

outside my homeland. My teenage years were typical American years, of rebellions, of searching, of confusion as to what and where my identity belonged. Regularly attending Zoroastrian Youth Congresses in my teens and early twenties definitely cemented my respect and love for my religion. It is through these experiences that the thirst for knowledge about our beautiful religion bloomed. In addition, it is thanks to the Zoroastrian Youth Congress held in Chicago, in 1994, that the romance of my life blossomed!

My husband, Kali Buhariwalla, immigrated to the United States to complete his graduate studies. Our family consists of parents born in India and three young men, ranging in age from 15 – 19, born in Flower Mound, Texas. Kali and I have lived in the Dallas area for over 20 years, this is now home. The Zoroastrian Association of North Texas (ZANT) is our community home. It was a dream of ours to establish a Zoroastrian Community Center here in North Texas, and I am happy to say that in 2011 we saw that dream realized. Our friends are our family and our community is our extended family. Immigration out of our homelands has been the driving force to come together and create Zoroastrian Centers across North America.

Another major impact of immigration has been the melding of Zoroastrian cultural practices from both India and Iran. Our North Texas community celebrates both traditional Parsee and Iranian cultural practices. Over the years, participating in Tirgan, Mehrgan, Yalda and Sadeh has been an enriching cultural opportunity for our family. I now understand the importance of each of these festivals and how they were traditionally celebrated in Iran. Today, we gather at ZANT and celebrate these festivals. Our Sadeh festivities include lighting a fire with community wood offerings, playing the daf and singing a beautiful song – ‘Atash.’ We have set up a Haft-Seen table in our home for the past 16 years. This is not a practice from my childhood, but I am so happy to preserve this special tradition. My children have shared their religion and culture with their friends during the 13 days of Navroze celebrations. Sharing our cultural traditions has become an ongoing practice at ZANT, a direct result of immigration from two distinct lands.

Immigration from Iran and India to Europe, Australia and North America has created the third wave of Zoroastrianism in my opinion. Today, orthodox views of the Zoroastrian community in India and religious persecution in Iran both hold challenges to the continuation and expansion of our faith. Conversely, the immigration of Zoroastrians to the US has led to a revival of sorts to understand our history and religious texts through in-depth study. Gatha study, prayer translation, scholarly lectures, children and adult religious

classes – these practices are prevalent in our new homeland. Here in Texas, we have taken it upon ourselves to join interfaith councils, host churches and synagogues to share religious information, and whenever possible educate our friends and acquaintances on our beautiful religion. We as immigrants don't have the luxury of just existing, educating the surrounding population is a duty to our new homeland. Closeness of community, melding of cultures, fervent thirst for knowledge, creation of worship centers and the resolve to grow our beautiful religion are just some of the positive effects of immigration on Zoroastrianism. Conversely, immigration also has its inherent drawbacks: How will our religion look two generations from now? Will traditions and customs still be in place and followed in our new homelands? Or will our religion dissolve into the melting pot of this new land we now call home? In my opinion, these are viable possibilities because a general apathy regarding our religious practices and customs exists within our younger generation. While raising children in the Zoroastrian tradition will allow the religion to grow, this is certainly more difficult. Concerted efforts to engage with fellow Zoroastrians and imparting your knowledge to your children are essential to the vitality of our religion. I have witnessed that our ZANT directory has hundreds of family names, yet I see the same 30-50 families who participate on a regular basis. For some the religious journey becomes too difficult and immigration leads to taking the path of least resistance.

With all that said, I choose to focus on the positive opportunities that lay ahead for Zoroastrianism. In this new homeland I see our faith flourishing for our children and the generations ahead. Though small in number, we have established centers of worship and a central association, FEZANA, that serves our community. I am optimistic about the future - our faith is strong and the third wave of Zoroastrianism has no bounds here in our new homeland. We are able to make of it the best version of Zoroastrianism we choose to follow. Following the path of Asha, we can be stewards of this beautiful religion into the next millennia!



Keshvar Buhariwalla lives in Flower Mound, Texas with her husband Kali and their three sons, Zaal, Cyrus and Hormuz. She is active in the Zoroastrian Association of North Texas (ZANT). Keshvar has recently graduated from Southern Methodist University with a Master's in Sustainability and Development.

Immigration and its Effects on Zoroastrian Faith and Community

Farah Pavri

More than 4,000 years ago the Zoroastrian religion was born. Named after its prophet, Zarathustra, the religion set an example for other religions with its three tenants of Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds. It is amazing to be a part of the first ever monotheistic religion, but unfortunately it is a dying faith. With only 150,000 Zoroastrians left throughout the world, it may be time to change our views for the sake of the future.

After Persia became conquered by invading Muslims in 700 AD, Zoroastrians were persecuted and forced to change their religion because of the high taxes they had to pay because of their religion. To escape persecution, some Zoroastrians from olden day Persia travelled to a port in India and asked the Indian king at the time, Jadhav Rana, for asylum. According to a famous story, the king told the Zoroastrians that there was no room left in India for them. As a response to this, the head priest, Dastur Naryosangh Dhaval, asked for a bowl of milk filled to the brim and a bowl of sugar. Dhaval then put a pinch of sugar into the bowl and showed the king that the Zoroastrians would not over crowd India, just as how adding the sugar didn't make the milk overflow. He also added that Zoroastrians would "sweeten" India just as how the sugar sweetened the milk. The king was pleased with this response and let the Zoroastrians stay in India on the following four conditions:

- Their women were to wear the garments of the local women (sari).
- They were not allowed to carry weapons.
- They needed to adopt the local language (Gujarati).
- Marriages were only to be performed after sunset.

The Zoroastrians who migrated to India have developed Indian traditions while the Zoroastrians who chose to stay in Persia or modern day Iran developed an Islamic tradition. Indian Zoroastrians are better known as Parsis and they have contributed immensely to the Indian economy, society, science, arts, media, and many other areas.

In addition to all of these contributions, Parsis have also been big on philanthropy. As a famous saying goes "Parsi thy name is charity". Some of the biggest philanthropists built subsidized homes for the Parsi community and a few families till date are on the lowest rent in the market. Some also started building charitable hospitals and schools.

Parsis are highly educated and immigrated to other parts of the world for a better future. Wherever Parsis went, they helped communities prosper and always lived by the Zoroastrian Law of Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds. They would always volunteer to help another immigrating family settle in their new homes.

It is now the 21st century and times have changed. Zoroastrians do not only live in India and modern day Iran, but all over the globe. Though the largest number of Zoroastrians still live in India / Iran, they also live in the United States, Afghanistan, Australia, United Kingdom, Singapore, Canada, New Zealand, Tajikistan, China, the Persian Gulf countries, Azerbaijan, Turkmenistan, Pakistan, Russia, and Germany.

Even though we are all over the world, our numbers are shrinking and this has caused some Zoroastrians to change their views. Though we are small in number, our community is divided between conservatives vs. liberals and Iranis vs. Parsis. One of the most debated topics in our communities is intermarriage, especially for Zoroastrians outside of India and Iran. Due to the lack of options, many girls and boys are marrying non-Zoroastrians. Some immigrated families gladly welcome non-Zoroastrians into the community, while some still consider it taboo.

Immigrated families automatically form a bond in the community. I came to America when I was 4 years old with my brother and parents. Within the first month, we were introduced to ZAGNY or the Zoroastrian Association of Greater New York. We slowly joined the community by attending religion classes and going to functions. We are now a part of a new community away from our home and family in India.

Coming from a conservative family, we always try to recreate the religious experiences in America. There are no Atash Behrams or Agiaries in America, but we still have Atash Kadehs and Dar-e-Mehers where we go to worship and perform religious ceremonies thus keeping our faith and religion alive. In India, my parents used to go to the Arabian

Sea to do the Ava Mahino prayers. After coming to America, as a family we drive to the local middle school and pray by the stream. If my mom could, she would probably put a well in our backyard. In India, my parents would go to the fire temple every day. In America, we light a divo and pray to it. In India, during the Muktd days my parents would visit all of the Atash Behrams. In America, we pray at the Dar-e-Meher in Pomona, NY.

My family has tried to recreate so many different experiences that we even do Jashans at home whenever there are no events in the Dar-e-Meher since both my father and brother are priests. However, times have changed and Zoroastrianism has even produced its first female priest. With a little research, I learned that in Iranian tradition, there are assistant priests. This concept was developed during / after the Islamic invasion where many remote villages did not have many or any Mobeds who could become priests. From this, the idea of an assistant priest was born. With a little more digging, I found that women were allowed to become assistant priests and were only allowed to perform rituals after their menopause.

It is amazing to see how far Zoroastrianism has come through these many years. It started as a belief followed by only one man by the name of Zarathustra and his cousin, then it turned into the predominant religion of one of the greatest empires in history, and now it is the chosen religion of at least 150,000 people. Zoroastrianism has seen the rise and fall of empires and has escaped persecution. This religion has survived for so long and will continue to survive for longer if we accept more immigrants and learn more about the different traditions that exist in different parts of the world. Zoroastrianism has been an inspiration to many other religions and has shown everyone else that Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds are the best tenants to follow in everyday life.



Farah Pavri lives in New Jersey with her parents and brother. She is a sophomore at Northern Highlands Regional High School in Allendale, New Jersey. She has been a ZAGNY member since the past 12 years, has graduated from its religion school, and is now an assistant teacher. Her plans for the future are to become an engineer. She has a lot of interest in social service activities, so she is a part of her school's LEO club and is currently a Senior Girl Scout working towards her Gold Award Project.

Immigration and its Effects on Zoroastrian Faith and Community

Nooshin Jahangiri

Immigration has been an unavoidable process in history of mankind. Throughout this history, humans have fled in search of better lands due to economic pressures, natural tragedies, religion oversensitivity, and the effects of war. For the immigrants fleeing to these far off countries, it is essential to adjust and adapt to their new cultural and social values. The process of psychological, cultural, and lingual adaptation when two or more groups interact is called, acculturation, and it can present itself in different forms. Depending on the population's strategy in dealing with the adversity of cultures, there are five different outcomes:

assimilation, separation, integration, marginalization, and transmutation. Assimilation-- a very extreme form of acculturation--is when a person abandons their original customs and adapts to cultural aspect of a new identity. This happens in societies where limited freedom exists and inhibits the practice of original costumes.

Separation-- the second form of acculturation--, is when a person's original identity overcomes and persists through the dominant culture. This pattern can be seen in culturally segregated societies, similar to some Mexican communities who refuse to accept Americanization completely.

Integration--the most acceptable form of acculturation--happens when two cultures are respected and maintained individually. These societies are well known as bicultural and a very common form of adaptation in multicultural countries like USA. Similar to Japanese-American communities who respect both lifestyles individually.

Marginalization-- the least effective adaptation-- is when a person decides to abandon the dominant and personal cultures. As a result of this strategy, that person will be pushed aside and this usually happens in the countries that make integration hard for immigrants. Transmutation-- an innovative acceptance of cultures --is when someone forms a new culture through the merging of two different cultures. When Indian families serve a feast of Indian food in celebration of Thanksgiving, this is seen as transmutation. Acculturation imply changes in two levels: 1- cultural level in both groups, the original and receiving culture 2- individual

level which can involve psychological and behavioral changes. How do these ideas contribute to our social identity?

Social identity is when we relate ourselves to others considering our common values. For example someone's religion, country, language and other social values are factors that can play a role in forming social identity. It provides a sense of self esteem and self awareness making interpersonal relationships. One of the main concerns regarding migration is the formation of a new social identity. New values are introduced while the old values are challenged. As a result of this intrinsic battle, a peaceful negotiation takes place as both customs are adopted. Comparing the acculturation strategies, studies have shown that integration usually results in the best adaptation and psychological outcome while marginalization is associated with the least successful psychological and sociocultural adaptation and intergroup relations.

The Zoroastrian community has been experiencing several waves of migration for years throughout the world, most notably after the Arab invasion of Iran in mid 7th century CE. Frightened, shocked, and panicked--a group of Zoroastrians were running for their lives to the south of Iran. Desperate to save their religion for the price of their life, escaping this intolerance was the best option. When they decided to courageously sail the Persian Gulf to the Indian Ocean, this group landed in Sanjan where they settled and were recognized as Parsis.

Parsis were fortunate because the local Hindu king permitted them to practice their religion and tradition. Through the years, the Parsis worked diligently and escalated their socioeconomic status significantly. Moreover, their approach allowed them to have a positive impact on India and form one of the most well known communities.

One other major wave of Zoroastrian immigration has occurred recently to United States of America. 2005 was the year I moved to the sunny state of California with my loving family beside me. Going through thick and thin the first few years I learned about the importance of language and America's cultural values. After moving from the conservative country of Iran, I began to observe the respect other cultural and religious groups received under American beliefs. Being grateful for this opportunity I began searching for my roots. I found Zoroastrian and Iranian communities that were proactive and promoted cultural and social values. I built tight bonds with this group of people who I could connect with under a common value and understanding.

Enjoying our social gatherings and religious ceremonies, I noticed a persistent low attendance of our younger

generation and I was curious to find the reason. The cause of this abandonment can be explained with this main finding.

There has been a lack of proper communication and attachment between the first generation of immigrants and the second generation. This is mainly due to a different level of understanding between the modern and traditional culture and language.

Due to busy life schedules, some families might not find the opportunity to attend the Farsi or Zartoshti classes. Therefore most of the children from these families stay dissociated from the Zoroastrian society. In other families the original cultural values and bilingualism is not emphasized enough. In result, performing traditional ceremonies in Farsi make it difficult for the younger generation to make connections with the community and their origins.

It has shown that social identity forms at early ages of adulthood and children of immigrants often have difficulty to relate to their parents' cultural values. The lack of environmental elements that forms their culture causes confusion in their self identification. Therefore we should consider the main role of our organizations in providing the proper level of education to families through organized leadership. Proper resources for education, professional teachers, and personal growth opportunities are the basic necessities that will improve our community and strengthen youth participation.

While our community has persisted throughout 3,000 years of tolerance, migration, and change, it is imperative that we discuss the current condition of our American-Zoroastrian community and how we can better it. Our establishment in the United States requires a new connection between 1st generation immigrant families and the 2nd generation youth. If we want to maintain the traditions, we need the youth to become involved through an organized leadership among the adult community. This includes extending the opportunities for the youth to connect to their roots through events, activities, and programs.

References have been removed by the publication and are available upon request



Nooshin jahangiri is a Family medicine doctor at Kaiser Permanente in Southern California

She received her degree for Hirbadi (Zoroastrian religious teacher) from Tehran Moabadan Assembly and she has been teaching the philosophy of Gahan and practice of reading the verses using writings in Din-Dabire.

She is currently part of Core Education Committee at CZC-LA and has active participation in teaching religious to Zoroastrian youth.

Immigration and its Effects on Zoroastrian Faith and Community

Rohit Padmakumar

Last year, I started a documentary that focused on the future of the Zoroastrian population with a fellowship from my university. Though I am a Zoroastrian, I was unaware of the Iranian Zoroastrian population in California considering I come from a Parsi family originally from Mumbai. As I reached out to the California Zoroastrian Centers across Southern California, I became involved with the Iranian Zoroastrians and had a glimpse into the different culture they promote in comparison to my Parsi background. I learned that from language barriers to food preferences, Parsis and Iranians embrace two different cultures underneath the same religious umbrella. Though Zoroastrians across the world have largely the same foundations, disparate communities differ in their practices as a result of immigration. Our ideologies stem from our travels in the past and it is important to consider our geographical mobility to understand how immigration impacts the Zoroastrian faith and network.

It is worth diving into a bit of history on the Parsis to fully understand immigration's effect on the Zoroastrian population. Under the Achaemenid Empire in 330 BC, the first to adopt Zoroastrianism, the religion was at its peak of influence and expanded beyond Persia to modern day countries such as Egypt, Pakistan, Greece, and even China. Fast-forward hundreds of years of expansion and the Arab Conquest decimated the Sasanian Empire in Persia in the seventh century with brutal battles, destruction of temples, and burnings of Zoroastrian libraries. As a result of spreading Islam through forced relocation diffusion and strict legal initiatives, many Zoroastrians fled the region and sought refuge in Gujarat, India, who are known as Parsis, while others escaped to nearby countries like Pakistan or stayed in Iran. Over the generations, there has been a gradual, radical shift that split both Parsis and Iranian Zoroastrians as communication between the two groups dwindled. While still keeping true to their Zoroastrian beliefs, Parsis were quick to assimilate into Indian society by speaking the same language, dressing in a similar fashion, following dietary restrictions, and even engaging in other religious practices. By the late 17th century, Parsis had political and commercial



ties with their British colonizers and embraced a Western education system, further changing their socioeconomic status in Indian society which was distinct from other Zoroastrian communities around the world.

Immigration has kept us alive, but, without a doubt, separate on a cultural level. This brief historical account of this immigration movement is the source of the differences we see today between Parsis and Iranian Zoroastrians; it also serves as a case study for why other Zoroastrian groups may feel disconnected from each other. Regrouping Zoroastrians in India and other parts of the Middle East in the early days was necessary to keep Zoroastrianism thriving from conquerors. Immigration led to our survival. As a consequence, different Zoroastrian groups, like the Parsis, had to adapt to the country they related to, creating alternative cultural ideologies and aesthetics that are extremely apparent today. Presently, many Zoroastrians have moved to America, particularly in California and Texas, but also in Canada and Hong Kong. Mobility is inherent in humanity and is a natural effect within a changing world. It would be naive to assume that one of the world's most ancient religions could survive without adapting. Religions grow in fluid cultural and sociopolitical climates and immigration perpetuates change. Zoroastrians are historically immigrants and we will be future immigrants.

Moreover, immigration has left room for different interpretations of the Avesta and the Gathas, ancient texts that showcase our beliefs. "Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds" is a simple and sacred doctrine of ours that has surpassed geography and time through our history. Yet, like other tenets, it is a somewhat vague concept. This is the beauty of the religion in my mind. Its simplicity allows for personal interpretation of our texts that lets individuals sculpt their own understandings of what it means to be a Zoroastrian. Immigration grounds us in our own environments that shape our moral codes. The philosophy of Parsis in Mumbai will likely contrast the beliefs of Parsis in America or Parsis in Hong Kong or Iranian Zoroastrians in Egypt. The religion has developed into smaller and smaller subgroups that align with the sociopolitical setting of

their respective home country, and within each country, individuals will have their own definitions of Zoroastrianism.

Immigration creates diversity of opinions, backgrounds, and ideas that keep our Zoroastrian communities in constant conversation with one another. Debates over conversion and interfaith marriage strengthen democratic discourse and maintain our humanity in a world where groups are so politically polarized. Zoroastrian youth are the future of how our religion and culture will evolve. We have a duty to teach the next generation about the value of immigration historically and currently so they have some context into how certain Zoroastrians came to be. Being Zoroastrian is the common ground we all share, but understanding the minute differences between Zoroastrians will help the global community come together. In a time where we are dwindling at staggering rates, unifying diverse Zoroastrians in an open atmosphere can spark a movement that not only better educates us, but also prepares us for future change.



Rohit Padmakumar is a rising senior at the University of Southern California from the Bay Area. He is pursuing a degree in Cinema and Media Studies to prepare for a career in film or TV producing. On top of being involved with a campus nonprofit and TEDxUSC, he is currently filming an international documentary on the Zoroastrian community through a school research fellowship. He aims to create a film that speaks to the global Zoroastrian population and wants to continue producing stories that inform and inspire.

How Immigration is Affecting Families Daily

Shania Ghasemi

In order to address the effects of immigration on Zoroastrian families, I spoke with Ms. Fereshteh Mazdyasni, Licensed Marriage and Family Therapist, core faculty and program director at Phillips Graduate University in Chatsworth, California. Ms. Mazdyasni has been working with families both immigrant and non-immigrant for many years. In addition, she has been leading Parenting Group sessions at California Zoroastrian Center in Los Angeles for about two years.

The new immigrant families coming to the United States face unfamiliar and new kinds of stress and challenges. The immigration process can often be hard and difficult on families, especially when migrating to a foreign country where their native language is not spoken. Along with a great deal of stress that is brought along with the idea of having trouble communicating, for many families language is the least of their worries. In fact a migrating kid or teen can end up filling responsibilities that were never intended nor desired to be filled. Whether it be complications faced inside the house, or simply cultural matters, these failed to be seen issues are taking a huge toll on immigrant families.

With communication being part of our everyday lives, lots of pressure is taken upon an everyday kid or teen to step in to communicate, when their parents are unable to. For example with kids going to school every day, and communicating through English with their peers, and teachers, they eventually pick up the language and it becomes their second nature. On the contrary, their parents who are always working, and providing, are not getting nearly this amount of practice with the language. This unfortunately, but realistically, leads to a disruption of family hierarchy. Due to a language barrier, kids usually step in as an interpreter, which can sometimes let them fall under the impression that they hold the upper hand. This imbalance of knowledge then creates a hierarchy, with the children on top taking over the position normally occupied by the parents. With the kid(s) normally being the one to communicate in a situation, conflicts are very common when related to the entitlement of a kid or teen. In addition to the above, kids

can frequently feel embarrassed of their parents due to the parents' accent or lack of communicational skills. Furthermore, the transition to a new culture can often be overlooked. The adjustment to new food, new people, new clothes, new language, new mentality, and even a new lifestyle can be extremely problematic and stress provoking. With different families migrating at all different stages in their lives, immigration is usually classified by levels. Such as, When did you immigrate? How many years you were here? What social or financial level do you have? Did you immigrate before or after revolution? How many years after? Culture shock, in addition to all these small but relevant factors, contributes tremendously to the situation and challenges of immigrant families. In fact, many kids can face bullying or feel left out simply due to their appearance, the type of food they eat, their accent, etc. Even inherited features or qualities can be frowned upon when the kid or teen notices that they are uncommon characteristics. However one might also face discretion over their social or financial status, because of the way the world so heavily runs on these judgements made on people.

Zarathushtra's main teachings are based on wisdom, pursuit of knowledge, progression by improving the living world, and righteousness. All these have been embedded in Zoroastrian families since childhood and will benefit them as they find their place in a new settlement. The children excel in academics and over time build a reputation of good character making it easier for them to be accepted by the host community and their classmates.

Immigrating to a new country is not without challenges, but alas with open arms, and inclusive attitudes we can make this already traumatic process a lot less demanding on the already pressured families. With families adjusting in ways that most others are not, it is important to help provide them with an open minded welcoming community. Even if it means starting up a conversation or showing honest signs of respect, most everything one could do to make the immigration process less intimidating is generally appreciated.



My name is **Shania Ghassemi** and I will be going into the 9th grade this upcoming fall. My extracurricular activities consist of a variety of engaging hobbies such as, playing the flute, playing the harp, and volunteering at my local dog rescue. I am currently attending my local Zoroastrian center in the valley, where I learn about the Zoroastrian religion, and much more!

Distance Can't Keep Us Apart

Kimiya Shahzadi



I fell in love with the man of my dreams. He just happened to live on the other side of the world.

Let's wind back to 20 year old me in December 2014. I was excited to see my relatives in California for the first time and attend my first Zoroastrian congress. Meeting my relatives was such a heartwarming experience. I met them for the first time and felt like I knew them a lifetime. They'd find my Australian

accent funny and I'd feel the same about theirs. We created lasting bonds I will cherish forever.

I was nervous going to the LA Pre-Congress and didn't really know anyone there. While in the registration line a Canadian Zoroastrian girl came up to me and asked to be my friend. We clicked straight away and are friends to this day. We sat together on the bus and talked to the guys behind us. During the congress I was just in awe, three hundred young fun Zoroastrians from around the world, all in one hotel.

Let's fast forward to exactly one year later, December 2015. I went to the Zoroastrian Youth Congress in New Zealand and upon registration I see this bus pull up. The doors open and total movie moment, my eyes lock with this guy. The guy from the bus in LA! We had not talked for a year and were so surprised to see each other. We fell in love and happily tied the knot in December 2018.

In 2016, the Australian and New Zealand crew got along so well at the congress that we organized a weekend trip in Byron Bay and booked out three houses. In the same year I attended my first Z Games in Chicago, met my relatives in Houston and Las Vegas and had an incredible time. I saw Zoroastrians thriving and felt more connected to my religion than ever before. I wasn't alone and I belonged.

The truth is, as Zoroastrians, we are all minorities no matter where we live in the world but we are more connected than ever. Technology has advanced to the point where we can message, call, or see anyone in the world in an instant. We can meet anyone in less than 24 hours with a plane. We are no longer restricted in the same ways we were in Iran and India. Zoroastrians have the freedom and technology to be more united than ever.

From a young age my mother, Fariba Shahzadi, taught me Zoroastrian philosophy in a fun way and it became a big part of my identity. Being around Zoroastrian people makes me feel at home.

Kimiya Shahzadi was born and raised in Australia. She double majored in psychology and economics at The University of Melbourne and received her Honors at Monash University. Her psychology research paper was published in an international journal. She is starting her masters in Clinical Behavioral Psychology at Eastern Michigan University soon. She currently works for the Australian Government.

Today, a large majority of next generation Zoroastrians are being born and mature in a different country. They are a different kind of immigrant than their parents. With remnants of their parents' beliefs and culture, many will marry outside traditional parameters. In addition, those born outside of Zoroastrian faith are becoming familiar with Zarathushtra's teachings and seeking information with a community to share a common found belief. Furthermore, we are torn due to lack of a common language. We are faced with a complex community today. What will sustain us in our Zoroastrian faith and fellowship? How can a Zoroastrian center provide a safe haven for so many diverse needs? As we adjust ourselves to the new settlement, we realize that we need a common language and a welcoming arm in order to provide a favorable environment for our faith to have a chance to be transferred to next multi-ethnic, and multi-cultural generations. With immigration of Zoroastrians into different areas, I can't help but be optimistic. What great opportunity to spread our wings and share our faith and beliefs. If the teachings of Zarathushtra, stem from a functional system true to the order of the living universe then it should sustain itself over time. We have a great gift in the Gathas. It has influenced the great Persian Empire, Greek and European philosophy. It is practical, modern and goes beyond a certain location or settlement. It is functional and was meant for all those immigrant Homo-sapiens who started their journey all over the Earth about 60,000 years ago.



Artemis Javanshir immigrated from Iran to Los Angeles, California in 1980 with the hope of returning to her homeland permanently. After she received her Bachelor's degree, she returned and lived in Iran for 2.5 years, finding herself an immigrant not only in the United States but in her native country as well. Today, she lives with her husband, two girls and family dog in Southern California and teaches religious, Persian/Iranian history and language to youth at California Zoroastrian Center in Los Angeles. She enjoys reading books, working with and

learning from her students and children. Through these educational years she finds herself more and more a citizen of the Earth and the world and finds her community in those who share her faith and beliefs.

Ask Nahid

Dear Nahid
Is it ever ok to lie?

Dear Reader,

To some degree or justification, we all lie. Either to strangers, to our loved ones, and even to ourselves. We lie in small ways and we justify that it is ok as long as it does not cause any harm. We tell ourselves that we lie to protect each other from the truth. We lie to save those we love from pain. These are all lies we tell ourselves to feel better about lying.

In a religion that practices the seeking of Truth – this question is easily answered: No. Lying is not ok. It is actually harder than telling the truth. In one lie, you often have to make up more to maintain it or to constantly remember it with the people or person you lied to. Where in a truth, you do not have to justify anything or adjust your thought to remember it as it really did happen.

Our entire practice of Zoroastrianism is to seek the highest truth we can. To choose the path of Asha (Truth) in thinking good thoughts, saying good words, and performing good deeds. What are lies if they are not bad words? Lies are steps back in gaining our fullest potential in following our religious principles. Good Thoughts, lead to Good Words, which lead to Good Deeds. If the initial thought is not a good one, what then is the chance for the words and actions to be Good? Even though you can reason with yourself that thinking up a lie and telling it are for the higher good – you are just lying to yourself. In order to lie, you had to think of the lie. You had to actively think about how to construct a false statement that would be believable and strong enough to get you out of whatever it is you needed to get out of or to make yourself feel like a better person.

But what about the kinds of lies that we make to protect our loved ones? Are those Good lies? No. No lie that will prevent someone from seeing the truth is a good lie. Even if you were to protect someone from harm by lying – are you really protecting them. You are only protecting them from the truth. They have to learn what it is they are being protected from. Telling them the truth and helping them through that pain, is when a Good Word leads to a Good Deed. Good does not always mean happy, or easy. Actively choosing the path of Asha, which means to choose the path of Truth, is the journey of each Zoroastrian.

The first time you lie as a kid, you know it's bad because you are

always waiting to get caught. But when you get away with it you start learning how to lie and unfortunately it becomes easier and more justifiable as we grow older. It is a slippery slope to start and an easy one to get into the habit of. Telling the truth might get a negative response from someone but it will always end up in a better outcome than the tiniest little lie.

Yes, little lies here and there may not seem to cause any evil in the world. When does a "white lie" start to be wrong? Will you notice how big the lies get if you have so easily gotten away with the little lies? We also do not always see the ramifications of our small lies. Lying under oath in a court of law is illegal. You are considered to be in contempt of the court and can even find yourself in prison. So, what are our beliefs in lying? What are the punishments in Zoroastrianism that prevent us from being tempted to lie? The answer is, you. Your conscious. Your own individual path towards becoming the wisest and most true person you can be in this life. Each lie holds you back from reaching your greatest truth.

To live an honest and truthful life is often the harder path to take. Instead of using your good mind to spread false statements, try telling the truth in a way that will bring about progress for all individuals involved. How about being kind and gracious about your honesty. Tell the truth but in a way that is not negative or mean. Just because the truth might be hard to hear does not mean we are doing the right thing by protecting people from it. By learning how to be honest in a positive and progressive way, just imagine all the real Good we can accomplish as a community. And let's start by not lying to ourselves that even the littlest lie is ok.

"I replied thus: I am Zoroaster, the staunch enemy of liars and falsehood. I shall fight against liars as long as I have strength and shall uphold truth and righteous people whole heartedly." (Yasna 43; Verse 8)



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia

In 2018, with an attempt to engage and encourage the youth in analyzing the teachings of Zarathushtra, an Essay Contest was organized for 14-17 year olds. This contest was open to the above age group regardless of faith or origin. It was such a delight to receive 15 eligible intelligently written essays on the topic of "Is It Ever Okay to Lie?" Most of the participants were from California, two from Canada, one from New Jersey, and one from New York. In addition, we received 3 essays from non-Zoroastrian youth with mature understanding of the relevant concept.

Our deepest gratitude and thanks to all our participants, those teens who helped us with choosing the topic, CZC-OC, CZC-LA, FEZANA, Ms. Parimarz Firoozgar for sponsoring the contest, five wonderful judges, Ms. Parmida Behmardi for designing our flyer, Mr. Parviz Manoochehri our web master, Chehreh Nama magazine for continuously supporting the Zoroastrian youth and FEZANA Journal.

All 15 entries were excellent however, the top three essays plus one honorable mention is yours to enjoy.

It is a pleasure to announce the 2020 Essay Contest with the topic "In your opinion what qualifies as a good leader? Compare it to what the Gathas teaches us about being a good leader" for 11-14 year olds, building the future leaders of our world. In addition to the Essay Contest, a Short Story Contest is designed for 13-18 year olds sponsored by Ms. Catherine Linka the author of "A Clawed and Feathered Spell". The deadline for both contests is January 15, 2020. Any questions can be emailed to zessayentry@yahoo.com. In hope of giving our youth the tools to be the future leaders and story tellers of our global community and faith.

First Place Essay Contest:

Sweet and Sour Lies

Azadeh Hormozdiari

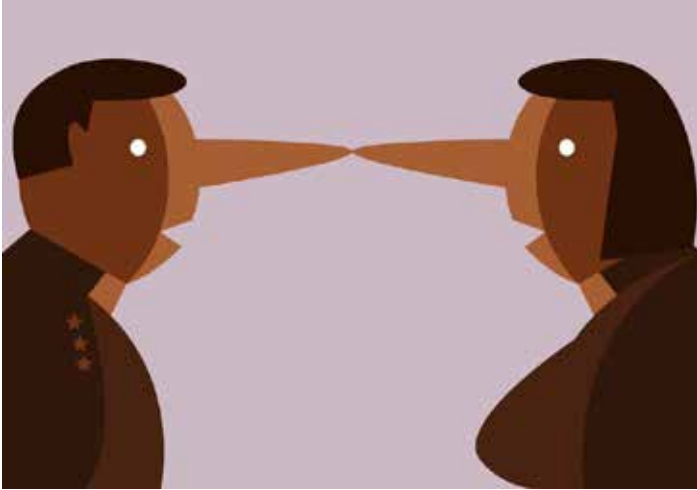
A rose by any other name would smell as sweet. A lie by any other name is still a lie. However, can a sour stench of a lie at times transform into something sweet? By centering Asha as the guider within all our decisions the conclusion becomes, though lying may perceptually seem unethical, in



certain scenarios it is the best use of our Vohu Mana. Simply, I will argue that lies which avoid serious harm are within the path of righteousness.

First, specific examples from both historical contexts prove, that situations exist in which lying is the only unerring choice. One historical example of great magnitude is when in Mumbai, around 1992 tensions between Muslims and Hindus were rising to the extent of riots that left lifelong lasting harm on hundreds. The next year in 1993, 12 bomb explosions had killed 257 people and harmed 713 others – the attacks had all targeted Hindu majority areas. However, when the Chief Minister announced the attacks, he stated there had been 13 explosions, instead of the 12 real ones. He had rightfully decided to lie about and fabricate an extra explosion, which he said had hit a city of Muslim majority. Through making the two opposing groups both victims, which as a result, did not allow the groups to blame each other, his lie had prevented an eruption of attacks between the Hindus and Muslims. Such attacks would have hurt and taken the lives of hundreds. Thus, this lie, although large, perfectly demonstrates how at times avoiding the truth can save lives. Some may argue telling lies weighs you down with guilt, moves you towards Druj and hurts yourself as well as those around you. All those things are true but become irrelevant if you only lie in scenarios where it saves others from grave danger. Consistent and unnecessary lying should be avoided at costs, but people should not fear not telling a lie when it prevents mass suffering or death, like the Chief Minister did in Mumbai.

Second, the main concepts of the Gathas agree with such a concept. The notion best in line with my thesis is that of Asha. According to the California Zoroastrian Center (CZC), Asha in its simplest meaning is "truth, order, righteousness." While, these are not the only definitions of it, and the concept is much more complex, these three things for my present argument become the most the most relevant components. One of the three elements to Asha is truth, but if a lie maintains righteousness and order it



becomes truthfully, the correct decision to make. By making a decision that prevents harm unto others as well as yourself, one is maintaining order and remaining righteous, and as a result holding up two of the three pillars of Asha. Though, it is ideal and always best to maintain all three pillars of Asha, there are times when you both lie and maintain order and righteousness, or you tell the truth but lose the other two factors. Going back to the example from Mumbai, had the Minister lied, his decision would have wrecked order within the society, and caused riots between Hindus and Muslims. Such a result would have killed many and injured even more. Which proves, even if he had he told the truth and followed the first pillar of Asha, his decision would mean he wasn't following the other two. Simply, the choice would become



tell the truth and follow one-third of Asha's elements, or lie and follow the other two-thirds. The wiser person would err towards the latter. The second concept from the Gatha that supports this argument is Vohu Mana. CZC further writes, that Vohu Mana is "good mind, good thinking." At times, using our Vohu Mana may result in lying since saving others is "good thinking." CZC then goes onto say "There is always

a thought before an action. If a good action is taken, there must have been a good thought behind it." Which flawlessly demonstrates how a good action requires good thought. The distinction between justified lies and immoral lies then becomes the thought behind them. The lies which, have negative thought and intention behind them and are meant to hurt others are those which are not justified and should be avoided. On the other hand, the lies that are meant to save others from harm and hurt are justified through our Vohu Mana. Some may disagree, by stating the Zoroastrian concept of Druj says lying is never moral. CZC continues to say Druj is "harmful lie." This statement at first glance may suggest lying is harmful, but after taking a closer look, the key word in the statement becomes "harmful." This portrays how a lie is only dishonorable under Druj if it is "harmful." Subsequently, lying is warranted when it prevents harm to others – as it did in 1993.

A lie though by most names is sour, by some names, in certain scenarios, it manages to transfigure into something sweet. When one is confronted with a situation in which they either tell the truth and bring irrevocable harm to others or lie and prevent such an atrocity, they should like the Chief Minister in Mumbai, use their Vohu Mana and pick the latter. Through doing so, they can maintain two of the three elements of Asha and the well being of hundreds of others.



Azadeh Hormozdiari

is 15 years old and in the 10th grade at Chaminade High School in Los Angeles. She has been attending Zoroastrian class studies for as long as she can remember and enjoys them greatly. Her faith and the beliefs of Zoroastrianism are something she holds near to her heart.

Righteous Lies

Farnaz Behdinin

There is a reason behind every lie we tell. Whether it's for protection, helping and pleasing others, self gain, or even harmful intentions.

But when is it ever okay to lie? Consider the Pueblo tribe situation. In 1540, Spanish explorers sailed to the Americas seeking mountains of gold and silver. Nevertheless, once they reached Arizona, the Spanish were surprised to find no source of wealth. Hungry and famished, the explorers were forced to find a source of food. The ravenous travelers first encountered the Zuni tribe in Arizona and unreasonably sought access to their food supply. After much warfare, death, and suffering, the Spanish succeeded. The Zuni unwillingly submitted, giving the explorers access to their food and other resources. Later on, the Spanish, still thirsting for gold and food, travelled to New Mexico and encountered the Pueblo tribe. These Native Americans knew the capabilities of the Spanish, and they found an alternative to war and bloodshed. Instead of fighting a gruesome battle, forfeiting their hard-earned food, and submitting to the greedy Spanish, they lied. They told the travelers that if they continued on their trek, gold was waiting for them over the horizon. The Spanish, believing the lie, continued their expedition for wealth, and the Pueblo people saved their tribe from death and suffering.

Now this is a historical example of when lying is used for protection of self and others. Cons: the tribe risked the chance of extreme destruction if the Spanish returned for revenge. Pros: the Pueblo saved their lives, their food supply, and their dignity. The Pueblo tribe knew that the Spanish were irrational, senseless people. After long thought, the Pueblo could not see another alternative other than lying: knowing that they had little chance of succeeding with barbaric bows and arrows against sophisticated weapons. Therefore, as Zarathushtra once said, "No one must listen to the sayings and instructions of the wicked and false persons, because such persons will lead the home, the village, the town and country to ruin and destruction. Therefore it is our duty to resist such persons and repel them with the spiritual weapons of purity and righteousness"(31-18). The Pueblo, with their acts of reason, righteously dealt with unrighteous people. They repelled the wicked Spanish, not with war, but with a well-intentioned misdirection.

In modern society, similar to the Pueblo tribe, with every lie we have a cost and benefit analysis. To exemplify, my middle school would have lockdowns under set dates. These set sessions were not taken seriously as students could not imagine a murderer attacking our specific school in the middle of a safe neighborhood. One day, the loud speaker urgently announced "We are under a lockdown.

This is not a drill." Frenzied and horror-stricken, teachers and students scrambled to lock doors, cover windows, and hide behind tables. We could hear frantic bangs on the doors and windows, and huddled up while praying for the worst to pass. Before we knew it the loudspeaker came on again, "this was a fake drill, you may return to your regular day." Relief spread on the entire class's expressions, but no one could ignore that sour feeling that came afterwards. The school lied to us. Their intentions were good, however. They knew that the we were underprepared for a real lockdown. Cons: in future lockdowns, we would initially doubt the circumstance. Pros: the school needed to test if students and teachers were seriously prepared for these situations in case of a real lockdown. Overall, in these times of uncertainty, the benefit of lying was, in the eyes of the school, more beneficial than the cost of lying.

While it may seem that lying is justified in some situations, we can not allow them to overpower the truth. Imagine living in a society built on lies and deception. These societies are like active volcanoes eager to erupt. The pressure keeps building as the government, schools, stores, neighbors, friends, and family, are constantly in denial of one another, fading trust away. Until finally, the society erupts. Flaming, fiery lava destroying everything in its path; proving that corruption is inevitable, just as an eruption is inevitable. In these societies lies crime, loss of faith, and an unsettling, insecure environment. Trust and honesty are essential traits to our Zoroastrian faith because they maintain peace and balance; preventing a corrupt and broken community built on lies.

How does this all connect to Zoroastrianism? In Zarathustra's definition a liar is a person who falsifies the truth for control, power, greed, and selfishness, leading to society's destruction. In our modern world, any person who falsifies the truth or even withholds the truth is seen as a liar. Zartosht argues that in order to follow the path of righteousness, we need to consult our good mind, evaluating each situation through our experiences. In the Pueblo tribe and lockdown examples, both lied after evaluating the situation with good thought and care. However in a society corrupted with deception, lying becomes second nature. People disregard their ability to use their good thoughts and their judgement is clouded with Angra manyu. Lies should thus only be allowed in necessary times when truth can harm more than a lie. Lies with intentions of helping and protecting self and others have potential of righteousness. A right act, at the right time, for a right reason.



Farnaz Behdinin was born in Tehran, Iran in 2001 and moved to California when she was 3. She has grown up in California for most of her life and currently attends El Camino Real Charter High School as a Junior. She has a passion for music, traveling, arts, reading, and creative writing. She enjoys participating in the CZC-LA classes and loves connecting with her Zoroastrian community.

The Truth of Lying

Mantra Roointan

From a young age, our parents have always told us to never lie. We are taught to tell the truth and avoid bad habits of lying. Lying breaks trust between people and can ruin relationships with friends and loved ones. Many believe that telling white lies, or lies with the intention to avoid hurting people's feelings, are acceptable. However, they are not a better alternative. Lying is never fine but realistically, it is inevitable and unavoidable. With that being said, there are multiple reasons why lies should not be told. Many lies seem to be harmless but have negative results in the future. When one examines the teachings of Zarathustra, we realize how Asha plays into the topic of lying.

In today's society, lying has become a common nature. Many people lie to find comfort and avoid hardships instead of confronting a problem. People intentionally lie when the truth makes them uncomfortable or scared. We lie because of the fear of being judged and embarrassed. In today's society, many feel obligated to lie when being pressured to live up to an expectation or standard. The fear of ruining their self-image forces them to lie about certain things. Lying may seem like the best option in the moment but realistically, it will most likely cause more complications in the future. For instance, you break your mom's favorite vase on accident. Being afraid of the punishments that may come, you lie about the situation claiming that your sibling broke it. As time passes, your guilt weighs you down. You finally tell the truth to your parents and get grounded for a week. This punishment is worse than how it would have been if the lie had not been told in the first place. Using our Vohu Mana, or good thinking, we use our own judgment to decide when it is absolutely necessary to lie. This moral compass along with progressive mentality, otherwise known as Spenta Mainyu, will lead us to Asha. In the Gathas, we use Asha, which is the law of the universe or righteousness, to make the right decisions. We need to follow the path of Asha to lead us to happiness. As human beings, we have the power to make our own decisions and life choices. Lying creates more obstacles and issues throughout our journey to find inner peace. With all this considered, there are some circumstances where lying is fine.

On the contrary, lying is necessary in certain situations. Deception that does not have a selfish intention is alright. One instance when lying is okay is if the truth puts us or others in danger. If a family member or loved one would physically be harmed if the truth is exposed, then lying would be fine. One example of this would be if a kidnapper asks the location of

your family member. Additionally, lies with neutral outcomes are acceptable since there is no selfish intention. Lying to a friend to plan a surprise birthday party is an example of that. While all this may be true, the best alternative to lying is to not answer at all. If something personal is asked, the respectful response should be that you are not comfortable with answering the question. There is no need to lie.

To conclude, lying is definitely not okay but in reality, it is bound to occur. Nonetheless, we should not abuse this power that we hold. If the thought of lying comes to mind, we need to fight the temptations and the internal battle against those bad thoughts. The consequences of lying should be considered before the act is done. This principle has been discussed in the Gathas by which we are encouraged to defeat Angra and Aka, or bad intentions that cause regression. By choosing Vahyo and Spenta instead, we can find happiness and be in a state of Haurvatat. If we follow Asha and do the right thing, we will get good results. Lying ruins our pride and dignity. We can, however, begin to improve ourselves and the world by being more honest during interactions. We have to use our own judgment to make the right choices on when it is okay to lie. All individuals have the freedom to make decisions based on what they believe is right. We are not obligated to lie because of pressure brought on by society's expectations. The best thing we can do is to be ourselves and not care about being judged by others. No one is perfect but we can strive to improve ourselves and become better individuals.



My name is **Mantra Roointan** and I am 15 years old. I am proud and dedicated to my culture and faith as a Zoroastrian. Being a Persian Zoroastrian, has been an important part of my life. I was honored to be selected as a winner since the essay competition gave me the opportunity to express my ideas and thoughts about my beliefs.

Permissibility of Lying

Nazanin Iranzamani

Lying: It happens every day to millions of people. Being intentionally untruthful can bring harm to others or oneself. Fabricating a story to get away with doing something wrong is seen as a sin in many cultures and religions. In Zoroastrianism, good thoughts, good words, and good deeds are preached on a daily basis. We are told to follow the path of Asha and use our Vohu Mana. If we are always told to do the right thing because it's the right thing to do, then why does the dilemma of lying exist? Whether it is acceptable to lie depends on the situation and the person's intentions. There is no black and white answer.

In the Gathas, Zarathushtra always preached the truth. "I Zoroaster, am the enemy of a lie and lying. And to the best of my abilities, I will fight against them. With all my strength, I am a supporter of righteous people". It is inferred to not lie, although Zoroaster never stated it outright. He told us to use our good mind with every action we take. "Listen to the best words and consider them with an open mind, then make the best possible decision". We are given the free will to make our own decisions and to decide whether or not to lie. However, Persians were always known to be very righteous people; even the Greeks admired them for their honesty.

Some people think that it is okay to tell a lie because they are protecting the feelings of others. People will lie when they want to show gratitude to someone for a gift or act of kindness, even if it is not something beneficial to them. For example, when your friend gives you a gift that you do not like, you still act excited and thank them. You are trying to protect their feelings. In addition, parents are always telling children to tell the truth, but they do not reciprocate. For example, a parent might be facing financial issues and has recently lost their job. They will reassure the child that nothing has changed and everything is okay. The parent lied, but it is their responsibility to create a safe environment for the child and shield them from the cruelty of the world since they are naive and would not understand the truth. In addition, as the child grows up, they learn to not call someone "ugly" or "stupid" in front of them because it is disrespectful, and being 100% truthful is harmful. Parents help children learn the different forms of telling the truth and what it means to be truthful.

Is lying here doing the right thing? While Zoroaster is against telling lies, he also tells us to use our good minds to make decisions for ourselves. "To question and think for ourselves and make sure the answer we want to accept is the one that makes sense through a good, open and wise mind." If the

outcome of a lie is for the benefit of someone else, then it is okay to lie. However, a white lie is different from a lie that could potentially bring harm to that person. If someone is preparing a presentation for their job, it is best to give an honest response, putting aside their feelings, because telling them the truth and fixing their speech is better than them being mortified at work.

Taking to account that the Gathas was written in much simpler times, it makes sense that one should have never withheld the truth. However, times have changed, and there are some situations where telling the truth can cause physical harm to someone. Let us pretend that someone is being held at gunpoint and asked where their children are. Not telling the truth would be best because the life of someone else is being preserved. However, if you are asked to give your wallet, it is best to surrender it and run. A life is worth more than an object society gives value to. In both situations, an action was taken that was right although one required lying.

On the other hand, if one is lying for their benefit, then they should not be deceiving others. As Zoroaster put it, "The best reward (savab) is the truth, and the worst sin is lying." It is best to tell the truth and deal with the consequences, then wait for the truth to come out. If one breaks a vase and is questioned by their parents if they broke it, the most suitable answer is telling the truth. First of all, the consequences would not be as harsh. Second, parents want what is best for their children, and one would be bringing harm to the parent by lying.

In a society where lying was, and is, common among the people, Zoroaster preached Asha: "The right thing, at the right time, in the right place, and with the right means in order to obtain the right results." If telling a lie prevents someone else from being harmed than it is okay to do so. Nevertheless, lying for one's own benefit is not okay. We should always use our good minds to think about our actions and the consequences associated with it. One's intentions are always important to consider as there is no black or white answer to lying.

References have been removed by the publication and are available upon request



My name is **Nazanin Iranzamani** and I am a current high school senior. I live in Orange County and had been attending classes at CZC since elementary school. I am also the president of the Interfaith Youth Council of Orange County and have been involved for many years.

CREDIT REPAIR SPECIALIST



ساخته شده در عرصه ترمیم و تصحیح کردیت